

اعتبارسنجی سند زیارت آل یاسین^۱

محمد حسین صالح آبادی^۲

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

چکیده

زیارت آل یاسین در کتاب‌های الاحتجاج مرحوم طبرسی و المزار الکبیر ابن المشهدی از منابع سده ششم نقل شده و به ناحیه مقدسه منسوب است. این زیارت فقط در المزار الکبیر با سند آمده است. در دوران معاصر اشکالاتی به این سند وارد شده است. این نوشتار حاصل پژوهشی است با روش کتابخانه‌ای، درباره این سند. بحث از سند، در سه بخش کلی، ارائه شده است. در بخش نخست، از اعتبار کتاب المزار الکبیر به عنوان تنها کتابی که آن را با سند نقل کرده سخن به میان می‌آید. به باور نگارنده، تردیدها، درباره انتساب این کتاب به شخصیت موثق و شناخته شده سده ششم، جناب محمد بن جعفر المشهدی، درست نیست. در بخش دوم، تأکید شده که بنا بر مبنای رجالی محقق خوبی، توثیقات نویسنده المزار الکبیر درباره معاصرانش یا همان راویان اول اسناد کتاب، معتبر است. در خصوص باقی افراد سند نیز توثیق او می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اعتبار این راویان. در بخش سوم، افراد سند بررسی شده‌اند. از آن جا که سند پس از طبقه پنجم، به سه شاخه و طریق، منشعب شده، می‌توان زیارت را دارای سه سند دانست. بدین ترتیب، همگی افراد موجود در این اسناد، بررسی می‌شوند. افراد موجود در پنج طبقه اول یعنی «عربی بن مسافر»، «هبة الله ابن نماء»، «حسین بن احمد مقدادی»، «حسن بن محمد طوسی»، «شیخ طوسی» و «ابن اشناس» در منابع رجالی متأخر، دارای تجلیل هستند و شیخ طوسی و فرزندش توثیق دارند. راویان پس از طبقه پنجم در شاخه اول، «محمد بن احمد بن یحیی قمی»، «محمد بن علی بن زنجویه قمی» و «محمد بن عبد الله حمیری» هستند که راوی اول و سوم توثیق دارند، اما راوی دوم در منابع رجالی شرح حال ندارد و مجهول است و بدین جهت سند، ضعیف است. روایان شاخه دوم سند، «ابو مفضل محمد بن عبد الله الشیبانی» و «محمد بن عبد الله حمیری» هستند که ابو مفضل در منابع رجالی تضعیف شده، اما محمد بن عبد الله حمیری، توثیق دارد. پس شاخه دوم هم به دلیل تضعیف ابو مفضل، ضعیف است. روایان شاخه

۱. این نوشتار، نتیجه پژوهشی است که نویسنده برای موسوعه امام مهدی (عج) در پژوهشکده دار الحدیث قم انجام داده است.

۲. پژوهشگر حوزه علمیه قم.

سوم، «عبد الله بن محمد دعلجی»، «حمزة بن محمد بن حسن بن شبيب» و «ابو عبد الله احمد بن ابراهيم» هستند. راوی اول توثیق دارد اما راوی دوم مجهول است. راوی سوم نیز با قرائنی می تواند «احمد بن ابراهيم بن ابی رافع» باشد که توثیق دارد، هرچند این سخن، قطعی نیست. بدین ترتیب، شاخه سوم نیز دست کم به خاطر مجهول بودن راوی دوم، ضعیف است. بنابراین، هر سه سند این زیارت، با رویکرد رجالی، ضعیف به شمار می آیند و دلیل ضعف، مجهول بودن برخی از راویان است. با این حال اموری می تواند در جبران ضعف سند، کمک کند که در طول مقاله به آن پرداخته می شود.

واژگان کلیدی

زیارات صاحب الامر علیه السلام، توقیعات، المزار الکبیر، ابومفضل شیبانی، محمد بن عبد الله حمیری،

سندشناسی، معارف حدیث

پیش گفتار

در فرهنگ شیعی ارتباط با پیشوایان معصوم علیهم السلام جایگاه بسیار مهمی دارد. این امر در دوره حیات و حضور آنان، با سفر به محل اقامتشان و دیدار و هم سخن شدن با آن بزرگواران، تحقق می یافت و در دوره بعد از حیاتشان با مراجعه به محل قبورشان. از آن جا که در فقدان آن بزرگواران امکان گفت و گو وجود ندارد و انسان برای ارتباط با دیگران و عرض ارادت، نیاز به بیان احساسات خود دارد، باید برای پاسخ گویی به این نیاز چاره ای اندیشیده می شد. زیارات وارده از خود آن بزرگواران درباره معصومان پیش از خود یا همگی آنان که به زیارات جامعه معروف است، نوعی پاسخ گویی به این نیاز است.

با توجه به غیبت امام مهدی علیه السلام، برای ارتباط شیعیان با ایشان و بیان احساسات نسبت به امام علیه السلام، از ساز و کار زیارت نیز استفاده می شد. از این رو، در دوره غیبت صغری، ناحیه مقدسه، زیارتی را به شیعیان توصیه می کند تا برای ابراز ارادت، از آن بهره گیرند. این زیارت به خاطر جمله آغازینش، «سلام علی آل یاسین»، به زیارت «آل یاسین» مشهور شده است.

این زیارت در منابع شیعی سده ششم و پس از آن انعکاس یافت. المزار ابن المشهدی و الاحتجاج مرحوم طبرسی کهن ترین منابع آن هستند. کتاب «الاحتجاج»، این زیارت را بی سند و مختصر آورده در حالی که «المزار» آن را با سه سند و متنی مفصل تر، ذکر کرده است.

در سده هفتم، «سید ابن طاووس» آن را به نقل از «حمیری» می آورد و اشاره می کند که این زیارت به «ندبه» مشهور است و از ناحیه مقدسه برای «حمیری» ارسال شده و دستور داده شده که در «سرداب مقدس» سامرا خوانده شود:

زیارة ثانية لمولانا صاحب الزمان عليه السلام و هي المعروفة بالندبة خرجت من الناحية المحفوفة بالقدس الى ابي جعفر محمد بن عبد الله الحميري رحمه الله و امر ان تتلى في السرداب المقدس و هي: بسم الله الرحمن الرحيم لا لامر الله تعقلون ...^۳

معروف بودن این زیارت به «ندبه» و «دستور خواندن آن در سرداب سامرا» که از سوی «سید ابن طاووس» بیان شده، در دو منبع پیشین وجود ندارد. شهرت آن به «ندبه» ممکن است در سده هفتم و در شهر «حله» پیش آمده باشد، اما «دستور خواندن در سرداب» می‌تواند نشانه آن باشد که «سید ابن طاووس» این زیارت را از منابع دیگری اخذ کرده که به دست ما نرسیده است. همچنان که ممکن است «سید ابن طاووس» متأثر از فرهنگ رایج آن زمان که مردم به سرداب غیبت می‌رفتند و به امام زمان عليه السلام توجه می‌کردند، دستور خواندن آن در سرداب را برای توجه به امام زمان عليه السلام امری مسلم دانسته و از این رو عبارت «و امر ان تتلى في السرداب المقدس» را آورده باشد.

نبودن این زیارت در منابع دعایی پیشین می‌تواند به دلایل ذیل باشد:

- شیخ طوسی نیز در مقدمه «مصباح المتهجد»^۴ روشن می‌سازد که این کتاب بنا بر درخواست گروهی از شیعیان در زمینه اعمال و عبادات طول سال که در فقه به آنها پرداخته نمی‌شود، به نگارش در آمده است. بنا بر گفته شیخ طوسی در «الفهرست»^۵ ایشان، به غیر از «مصباح المتهجد» که در خصوص اعمال عبادی ایام سال نوشته شده، کتاب دیگری با نام «کتاب الزیارات» داشته که به دست ما نرسیده است. همچنین استاد او در

۳. مصباح الزائر، ص ۴۳۰.

۴. مصباح المتهجد، ص ۱ - ۴: سالتهم ایدکم الله ان اجمع عبادات السنة، ما يتكرر منها و ما لا يتكرر، و اضيف اليها الادعية المختارة عند كل عباداة على وجه الاختصار، دون التطويل والاسهاب، فان استيفاء الادعية يطول، و ربما مله الانسان و تضجر منه، و اسوق ذلك سياقة يقتضيه العمل و ذكر ما لا بد منه من مسائل الفقه فيه دون بسط الكلام في مسائل الفقه و تفرغ المسائل عليها، فان كتبنا المعمولة في الفقه و الاحكام تتضمن ذلك على وجه لا مزيد عليه، كالمبسوط و النهاية و الجمل و العقود و مسائل الخلاف و غير ذلك و المقصود من هذا الكتاب مجرد العمل و ذكر الادعية التي لم نذكرها في كتب الفقه، فان كثيرا من اصحابنا ينشط للعمل دون التفقه و بلوغ الغاية فيه، و فيهم من يقصد التفقه، و فيهم من يجمع بين الامرين، فيكون لكل طائفة منهم شئ يعتمدونه و يرجعون اليه و ينالون بغيتهم منه، و انا مجيبكم الى ذلك مستعينا بالله و متوكلا عليه، بعد ان اذكر فضلا يتضمن ذكر العبادات و كيفية اقسامها و بيان ما يتكرر منها و ما لا يتكرر و ما يقف منها على شرط و ما لا يقف، ليعلم الغرض بالكتاب، والله الموفق للصواب.

۵. الفهرست، ص ۲۴۰.

سند مورد بحث یعنی «ابو مفضل شیبانی» نیز کتاب المزار^۶ و کتاب الدعاء داشته^۷ که به دست ما نرسیده است.

بنابراین، احتمال دارد که شیخ طوسی «زیارت آل یاسین» را در «کتاب الزیارات» خود آورده و بعداً توسط پسرش به روات طبقات بعدی منتقل شده باشد.

- شیخ مفید در مقدمه کتاب «المزار» خود که نجاشی آن را «المزار الصغیر» نامیده است^۸ تصریح کرده که قصد دارد زیارات مربوط به امیر المؤمنین و امام حسین علیهما السلام را نقل کند. یعنی قصد شیخ مفید، نقل مختصر زیارات و اعمال مربوط به مشاهده نجف و کربلا بوده، هرچند که به صورت اختصار، به اعمال و زیارات مشاهده امامان دیگر نیز پرداخته است. پس، خالی بودن «المزار» شیخ مفید از «زیارت آل یاسین»، توجیه پذیر است و نمی توان گفت که به خاطر عدم اعتماد به این متن بوده است.

- کامل الزیارات ابن قولویه در بردارنده زیارات قبور معصومان علیهم السلام و اولیای الهی است و درباره امام زمان علیه السلام هیچ مطلبی ندارد. بنابراین، نبودن «زیارت آل یاسین» در آن، نمی تواند به اعتبار این زیارت، خدشه وارد کند.

- شهید اول در مقدمه «المزار» خود به منتخب بودن این مزار از مجموعه زیارات موجود تصریح دارد.^۹

نتیجه آنکه نبودن این زیارت در مجموعه کتاب های دعایی و زیارتی دیگر، نمی تواند به اعتبار آن خدشه وارد کند؛ زیرا اولاً برخی از این نوع آثار، از بین رفت و شاید این زیارت در آنها موجود بود؛ ثانیاً موضوع، هدف و شیوه نگارش آثار پیش گفته، تناسبی با انعکاس این زیارت نداشت.

- در نیمه سده پنجم، دولت آل بویه که حامی شیعیان و دانشمندان شیعی بود، سقوط کرد و دولت متعصب سلجوقی جای آن را گرفت. در این جا به جایی قدرت، شیعیان مورد هجوم قرار گرفتند و کتب بسیاری نابود شد. تألیف و نسخه برداری نیز به شدت کاهش پیدا کرد. در سده ششم که دولت سلجوقی، یکپارچگی و انسجام خود را از دست داد و مواضع دولتمردان آن نسبت به شیعیان نرم تر شد، آهسته آهسته زمینه نگارش و نسخه برداری فراهم شد و تألیفات جدید از روی برخی آثار باقی مانده از گذشته، باعث شد

۶. فهرست، ص ۲۱۶.

۷. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۹۶، الرقم ۱۰۵۹.

۸. رجال النجاشی، ص ۲۸۵.

۹. المزار للشهید الاول، ص ۹ - ۱۰؛ و بعد فهذا المنتخب موضوع لبیان ما ینبغی ان یعمل فی المشاهد المقدسة و الامکنة المشرفة من الاعمال المرغبة و الاقوال المروية و هو مشتمل علی باین.

بخشی از میراث پیشین شیعی، به نسل‌های بعد منتقل شود. این در حالی بود که برخی از آثار، از بین رفته بودند و برخی از همین آثار نیز بعداً از بین رفت. این واقعیت تاریخی، می‌تواند توجیه‌کننده «فقدان» برخی از متون پیشینی باشد که در قرن ششم هجری، رخ نمودند؛ مانند «زیارت آل یاسین».

در سال‌های اخیر، اشکالاتی به سند این زیارت و انتساب کتاب «المزار الکبیر» به نویسنده معتمد و مشهور آن، جناب «محمد بن جعفر المشهدی» مطرح شده است. از این رو برای مشخص شدن وضعیت سند این زیارت، پژوهشی لازم بود که این نوشتار، محصول آن پژوهش اسنادی یا کتابخانه‌ای است.

بحث از سند زیارت آل یاسین، پیشینه چندانی ندارد و درباره آن، نوشتار مستقلی، عرضه نشده است؛ هرچند که در فضای مجازی، مطالب پراکنده‌ای دیده می‌شود؛ مانند گزارش درس خارج آیت الله محمد مهدی شب زنده‌دار.^{۱۰} درباره اعتبار کتاب المزار الکبیر و انتساب آن به محمد بن جعفر المشهدی، مقاله‌ای از نگارنده این سطور، در شماره ۵۰ مجله فقه اهل بیت (ع) در سال ۱۳۸۶ ش، منتشر شده که در حقیقت، بخش نخست پژوهش یادشده است.

در این نوشتار، سند زیارت آل یاسین، در سه بخش، مورد بحث قرار گرفته است. نخست به اعتبار کتاب المزار الکبیر به عنوان تنها منبعی که این زیارت را با سند آورده، پرداخته می‌شود. دوم، توثیقات عامه در کلام علما و ارزش توثیق نویسنده المزار الکبیر نسبت به استادان خویش، بحث می‌شود. آنگاه افراد و رجال موجود در سند، شناسایی و اعتبارسنجی می‌شوند.

الف) بررسی اعتبار کتاب المزار الکبیر^{۱۱}

کتابی که امروزه به عنوان «المزار» ابن المشهدی منتشر شده، در ایران فقط یک نسخه دارد و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، نگهداری می‌شود و مربوط به دوران صفوی است. آقا بزرگ تهرانی از کتابی با عنوان مزار «محمد بن المشهدی» یاد کرده که در کتابخانه‌های نجف همچون کتابخانه «شیخ علی بن محمد رضا آل کاشف الغطاء» و کتابخانه «میرزا محمد علی اردوبادی» وجود دارد. شیخ آقا بزرگ، عبارات آغازین کتاب (خطبه کتاب) و نام اساتید وی را با استخراج از متن «المزار» آورده است. تطبیق این خطبه با خطبه‌ای که در نسخه کتابخانه آیت الله

۱۰. پایگاه اینترنتی به آدرس <http://vasael.ir/fa/news/۱۲۰۵>

۱۱. درباره اعتبار کتاب «المزار الکبیر» مقاله‌ای مستقل در ش ۵۰ مجله فقه اهل بیت» چاپ شده است. از این رو در این جا، به گزارش مختصری از آن بسنده می‌شود.

مرعشی وجود دارد، نشان می‌دهد که این دو همانند هم هستند. همچنین نام اساتید وی در نسخه‌ای که آقابزرگ استخراج کرده، با نام اساتید وی در نسخه قم برابری می‌کند.^{۱۲}

حاجی نوری در «مستدرک الوسائل» از مزار «محمد بن المشهدی» یاد کرده و مواردی و از آن جمله سند «زیارت آل یاسین» را از آن نقل کرده است.^{۱۳} این نقل همانند نسخه موجود است و تفاوتی ندارد.^{۱۴}

موارد یادشده، قرائتی هستند که نشان می‌دهد نسخه «المزار» ابن المشهدی موجود در کتابخانه «آیت الله مرعشی»، همان مزاری است که در کتابخانه «کاشف الغطاء» بوده و به همین «ابن المشهدی» منسوب است. حاجی نوری و آقابزرگ هم نسخه نجف را دیده و درباره‌اش سخن گفته‌اند.^{۱۵}

۱. شناخت عالمان از این کتاب

نام محمد بن مشهدی و کتاب «المزار» او، در کتاب «فرحة الغری» عبد الکریم ابن طاووس (م ۶۹۳ق) و «کتاب الحج» وسائل الشیعة شیخ حرّ عاملی یافت شد. عبد الکریم ابن طاووس در کتاب «فرحة الغری» از مزار «محمد بن المشهدی» متونی را نقل می‌کند که برخی از آنها را شیخ حرّ با واسطه فرحة الغری در وسائل الشیعة آورده است. این متون با متن «فرحة الغری» فعلی و «المزار الكبير» فعلی کاملاً مطابق است. مطابقت یادشده قرینه‌ای تطبیقی در یکی بودن مزار موجود با نسخه مورد اعتماد شیخ حرّ و ابن طاووس است.

شیخ حرّ در «فایده چهارم» از «خاتمه وسائل» تصریح می‌کند که این کتاب و بسیاری از کتب مورد اعتماد دیگر را در دسترس نداشته و با واسطه از آنها نقل می‌کند.^{۱۶} لذا هرچند این کتاب در دسترس وی نبود، اما مورد اعتماد ایشان بود.

۱۲. الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۲۴، الرقم ۲۳۲۵.

۱۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۴، الرقم ۱۲۱۹۰ - ۴.

۱۴. این کتاب از سوی مؤسسه آل البيت چاپ شده و محققان، مواردی را که حاجی نوری از «المزار» ابن المشهدی نقل کرده در «المزار الكبير» فعلی ابن المشهدی جست و جو کرده و آدرس آن را نوشته‌اند.

۱۵. حاجی نوری در خاتمه مستدرک در این باره توضیح داده که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۱۶. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۱۶۰؛ و اما الكتب المعتمدة التي نقلنا منها بالواسطة، و لم تصل اليها و لكن نقل منها الصدوق، و الشيخ، و المحقق، و ابن ادریس، و الشهيد، و العلامه، و ابن طاووس، و علی بن عیسی، و غیرهم من اصحاب الكتب السابقة فیهی كثيرة جداً، و نحن نذكر هنا جملة مما صرحوا باسمه عند النقل منه، و نقلنا نحن عنهم عنه؛ فمن ذلك: كتاب معاوية بن عمار ... كتاب النوادر، لاحمد بن محمد بن عیسی. فأنه لم يصل اليها منها الا قليل. كتاب نوادر الحكمة لمحمد بن احمد بن یحیی ... كتاب المزار لمحمد بن المشهدی، كتاب المزار لمحمد بن همام ...

۲. شناسه‌های نویسنده

هرچند برخی، تردیدهایی درباره اتحاد نویسنده «المزار» با شخصیت شناخته شده و مشهور «جناب محمد بن جعفر المشهدی» مطرح کرده‌اند اما با توجه به دلایل و قراین زیر، نویسنده این کتاب همان ابن المشهدی معروف است:

- اتحاد طبقه

مرور در اسناد المزار الکبیر و ملاحظه تاریخ‌های اخذ حدیث از اساتید که مؤلف آنها را ذکر کرده، همچنین با توجه به طبقه اساتید وی در می‌یابیم که «محمد بن المشهدی» صاحب «المزار» در سده ششم زنده بوده و با «محمد بن جعفر المشهدی الحائری» هم‌دوره است و این دو عنوان، از نظر زمانی به یک طبقه تعلق دارند.

- اشتراک اساتید

بر اساس متن اجازات، «شاذان بن جبرئیل» استاد «محمد بن جعفر المشهدی» بوده است. شیخ حرّ در «امل الآمل» گفته:

یروی عن شاذان بن جبرئیل القمی.^{۱۷}

در المزار الکبیر هم نویسنده از شاذان بن جبرئیل، نقل حدیث کرده است. استاد دیگر وی «ابو محمد عبد الله بن جعفر الدورستی» است. در «المزار الکبیر» نیز نام وی به عنوان استاد نویسنده کتاب به چشم می‌خورد.^{۱۸} نام استاد دیگر وی «ابو المکارم حمزة بن علی بن زهرة العلوی الحسینی الحلبی (م ۵۸۵ق)» است. در «المزار الکبیر» نیز این نام به عنوان استاد نویسنده آمده است.^{۱۹} چهارمین استاد ابن المشهدی در اجازات، «محمد بن علی ابن شهر آشوب» است که نامش در «المزار الکبیر» نیز به عنوان استاد «محمد بن المشهدی» آمده است.^{۲۰}

- اشتراک در نام «محمد» و لقب «المشهدی»

این دو اشتراک، دو قرینه بر اتحاد «محمد بن المشهدی صاحب المزار» با «محمد بن جعفر المشهدی» است. شیخ حرّ در مقدمه و سائل، نام مؤلف این مزار را «محمد بن علی المشهدی» آورده و در خاتمه با تکرار مطالب مقدمه، نام وی را «محمد بن المشهدی» ذکر است. این استعمال نشان می‌دهد که نزد شیخ حرّ، صاحب این مزار، همان «محمد بن جعفر بن علی المشهدی» است که نام

۱۷. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۵۳، الرقم ۷۴۷.

۱۸. بحار الانوار، ج ۱۰۹، ص ۴۳.

۱۹. بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۷۹، الرقم ۱۸؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۰ و ۱۶۶ و ۱۴۹ و ۵۵۵.

۲۰. بحار الانوار، ج ۱۰۹، ص ۴۶.

وی را با انتساب به جدش «علی» آورده است. همان‌گونه که لقب «المشهدی» مربوط به خود وی نیست و از القاب پدر یا جدش است ولی گاهی او را بدان، یاد می‌کنند.

۳. تردید مجلسی و پاسخ میرزای نوری

مرحوم مجلسی در انتساب این مزار به مؤلف، دچار تردید شده است.^{۲۱} هرچند در موارد متعددی^{۲۲} مانند مقدمه بحار، مؤلف آن را، فردی به نام «محمد بن المشهدی» دانسته و با توجه به کیفیت اسناد روایاتش، آن را کتابی معتبر شمرده،^{۲۳} اما در تشخیص مصداق این شخصیت، چنین گمان برده که او «ابو البرکات محمد بن اسماعیل المشهدی» است.^{۲۴} در مواردی نیز شک کرده که آیا واقعاً این کتاب از اوست یا از معاصران وی مانند سید فخار و دیگران است؟^{۲۵} مرحوم حاجی نوری در بیان انتساب این کتاب به «محمد بن جعفر المشهدی الحائری» به تردید یاد شده، پاسخ داده است.^{۲۶}

(ب) ارزش توثیقات عامه در کلام علما

نویسنده المزار الکبیر، رجال اسناد کتابش را توثیق کرده و گفته:

مما اتّصلت به من ثقات الرواة الی السادات.^{۲۷}

ارزش این توثیق، قابل بررسی است. محقق خوبی در مقدمه «معجم رجال الحدیث» توثیقات راویان از سوی متقدمان تا «شیخ طوسی» را معتبر دانسته و پس از دوره شیخ را به دلیل آنکه مبتنی بر حدس و استنباط است، معتبر نمی‌داند؛ مگر توثیق کسی توسط معاصرانش.^{۲۸}

۲۱. المزار الکبیر، ص ۴۳۴.

۲۲. مانند: بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۴، ص ۱۶۱ و ج ۹۵، ص ۳۰۴ و ج ۱۰۰، ص ۲۳۶.

۲۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۵.

۲۴. به این دو متن توجه کنید: بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸؛ و کتاب کبیر فی الزیارات تألیف محمد بن المشهدی کما یظهر من تألیفات السید ابن طاووس و اعتماد علیه و مدحه، و سمیناه بالمزار الکبیر. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۵؛ و المزار الکبیر یعلم من کیفیة اسناده انه کتاب معتبر، و قد اخذ منه السیدان ابنا طاووس کثیراً من الاخبار و الزیارات، و قال الشیخ منتجب الدین فی الفهرست: السید ابو البرکات محمد بن اسماعیل المشهدی فقیه، محدث، ثقة، قرء علی الامام محیی الدین الحسین بن المظفر الحمدانی، و قال فی ترجمة الحمدانی: اخبرنا بکتبه السید ابو البرکات المشهدی.

۲۵. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۱؛ مقدمات السفر و آدابه؛ اقول: قد قدّمنا فی کتاب الآداب جلّ الاخبار المتعلقة بهذا الباب و بعضها فی کتاب الحج، لکن نذکر هیئنا ما اورده السید النقیب الفاضل علی ابن طاووس قدس الله روحه فی مفتاح کتاب مصباح الزائر لانه مضامین اکثر الاخبار الواردة فی ذلك و نضيف اليه ما وجدته فی المزار الکبیر تألیف محمد بن المشهدی او السید فخار او بعض معاصریهما من الافاضل الکبار لئلا یخلو هذا المجلد عما یحتاج اليه زائر الائمة الاطهار.

۲۶. خانمة المستدرکة ج ۱، ص ۲۵۸، الرقم ۵۳.

۲۷. المزار الکبیر، ص ۲۷؛ بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله القديم احسانه ... اما بعد، فانی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد المشرفات، و ما ورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات و الادعية المختارات، و ما يدعی به عقیب الصلوات، و ما یناجی به القديم تعالی من لذیذ الدعوات فی الخلوات، و ما یلجأ اليه من الادعية عند المهمات، ممّا اتّصلت به من ثقات الرواة الی السادات.

۲۸. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۷.

در نگاه او چنانچه کسی از متأخران مورد اعتماد، روات کتاب خود را توثیق کند، نمی‌توان همه افراد موجود در آساند را تا معصوم، موثق دانست؛ اما توثیق او می‌تواند برای قضاوت درباره اساتید بی‌واسطه و معاصرانش نقش داشته باشد؛ زیرا درباره معاصران، نمی‌توان گفت که توثیق بر اساس حدس و استنباط است.

با توجه به مبانی ایشان، توثیقات صاحب «المزار الکبیر» دست کم، درباره اساتید بی‌واسطه او مورد قبول است. البته سخن وی که می‌گوید:

شیخ طوسی، حلقه پایانی متقدمان است و پس از ایشان، همگی مقلد وی بوده‌اند و توثیقات راویان از سوی آنان مبتنی بر شواهد اطمینان آور نبوده و صرف حدس و استنباط است.

قابل خدشه است؛ زیرا چه بسا برخی شواهد موجود نزد معاصران «شیخ طوسی» درباره روات، به دست متأخرانی چون «محمد بن جعفر المشهدی الحائری» نیز رسیده باشد. بنابراین توثیق «صاحب المزار الکبیر» می‌تواند دست کم در حد قرینه و مؤید دیگر ادله توثیق، برای قضاوت درباره استادان باواسطه او به کار آید.

ج) بررسی افراد سند

پیش از بحث درباره سند، مناسب است سند و نحوه نقل زیارت در کتاب، در معرض دید خوانندگان قرار گیرد. سند نقل شده، پس از طبقه پنجم، به دو شاخه تقسیم می‌گردد که در حقیقت، تشکیل دهنده دو طریق و دو سند است. گفتنی است، نویسنده در بخش توصیه نماز خاص برای امام زمان علیه السلام، باز هم خواندن این زیارت را پیشنهاد می‌کند و جالب آنکه، این بار، شاخه سومی برای سند آن، نقل می‌کند به طوری که از طبقه پنجم به بعد، نام افراد جدیدی به چشم می‌خورد. در ذیل، همه این سه شاخه، آمده است: ۲۹

زیارة مولانا الخلف الصالح صاحب الزمان علیه و علی آبائه السلام
 : حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُّ الْفَقِيهُ الْعَالِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيُّ بْنُ مُسَافِرٍ الْعِبَادِيُّ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ بَدَارِهِ بِالْحِلَّةِ السَّيْفِيَّةِ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةَ
 ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ وَخَمْسِمِئَةٍ، وَحَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْعَفِيفُ أَبُو الْبَقَاءِ هَبَةُ اللَّهِ
 ابْنُ نَمَاءِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حُمْدُونَ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ أَيْضًا بِالْحِلَّةِ السَّيْفِيَّةِ،
 قَالَا جَمِيعًا: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَمِينُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ طَحَّالٍ الْمَقْدَادِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الطَّرِزِ الْكَبِيرِ الَّذِي عِنْدَ
 رَأْسِ الْإِمَامِ عليه السلام فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ تِسْعٍ وَثَلَاثِينَ

۲۹. المزار الکبیر، ص ۵۶۷.

وَ حَمْسِمَيْتَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُّ السَّيِّدُ الْمُفِيدُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ الطَّوْسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْمَشْهَدِ الْمَذْكُورِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةَ تِسْعٍ وَ حَمْسِمَيْتَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا السَّيِّدُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّوْسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَشْناسِ الْبَزَّازِ، قَالَ: ...

شاخه نخست سند چنین است:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْقُمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَنْجَوِيهِ الْقُمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ أَشْناسِ: ...

شاخه دوم سند چنین است:

وَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ أَخْبَرَهُ وَ أَجَازَ لَهُ جَمِيعَ مَا رَوَاهُ، أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ مِنَ النَّاحِيَةِ، حَرَسَهَا اللَّهُ، بَعْدَ الْمَسَائِلِ وَ الصَّلَاةِ وَ التَّوَجُّهِ، أَوَّلُهُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَإِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَ، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لَمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ. التَّوَجُّهُ: قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَسَ خِلَافَتَهُ وَ عِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَ دَبَّرَهُ، وَ أَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ، وَ كَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ، وَ أَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَ شَهَادَاؤُهُ وَ عُلَمَاؤُهُ وَ أَمْنَاؤُهُ وَ سَاسَةُ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانُ الْبِلَادِ وَ قُضَاةُ الْأَحْكَامِ وَ أَبْوَابُ الْإِيمَانِ ...

شاخه سوم سند: نویسنده پس از نقل دعای ندبه به عنوان دومین زیارت برای امام عصر علیه السلام، باب دیگری برای توجّه به آن امام غایب از طریق خواندن نماز و زیارت آل یاسین اختصاص می‌دهد و شاخه سوم سند را این گونه می‌آورد: ^{۳۰}

باب التَّوَجُّهِ إِلَى الْحِجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَعْدَ صَلَاةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً تَقْرَأُ فِيهَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتَيْنِ، وَ تَصَلِّي

على محمد و آله عليهم السلام كثيرا. قال أبو علي الحسن بن أثناس: و أخبرنا أبو محمد عبد الله بن محمد الدعلجي، قال: أخبرنا أبو الحسين حمزة بن محمد بن الحسن بن شبيب، قال: عرّفنا أبو عبد الله أحمد بن إبراهيم، قال: شكوتُ إلى أبي جعفرٍ محمد بن عثمان شوقى إلى رؤية مولانا عليه السلام فقال لى: ... لكن توجّه إليه بالزيارة.

بررسی رجال پنج طبقه اول

طبقه اول

در طبقه اول که اساتید جناب «ابن المشهدی» هستند، دو نفر به نامهای «عربی بن مسافر» و «هبة الله ابن نما» به چشم می‌خورند.

۱. عربی بن مسافر العبادی

در فهرست منتجب الدین^{۳۱} از او به عنوان «فقیه صالح» یاد شده و در امل الآمل شیخ حرّ عاملی به عنوان «فاضل، جلیل، فقیه، عالم» و کسی که «صحیفه کامله سجّادیه» را از «بهاء الشرف» نقل کرده، توصیف شده است.^{۳۲} صاحب ریاض العلماء درباره وی می‌نویسد:

شیخ جلیل کبیر من اصحابنا رضی الله عنهم.^{۳۳}

همچنین نام وی در بسیاری از اسناد «صحیفه سجّادیه» به چشم می‌خورد، همان گونه که نامش در طریق «شهید ثانی» به برخی کتب پیشینیان موجود است.^{۳۴} افزون بر این توصیفات، چنان که گذشت، نویسنده «المزار الکبیر» نیز در مقدّمه کتاب، اساتید خود را توثیق کرده و پس از اثبات اعتبار کتاب، این توثیق حتّی با مبنای مرحوم خویی نیز اعتبار خواهد داشت.

۳۱. فهرست منتجب الدین، ص ۹۱، الرقم ۳۰۴.

۳۲. امل الآمل، ج ۲، ص ۱۶۹، الرقم ۵۰۱: الشیخ عربی بن المسافر العبادی فاضل جلیل فقیه عالم، بروی عن تلامذة الشیخ ابی علی الطوسی کالیاس بن هشام الحائری و غیره، و بروی الصحیفة الكاملة عن بهاء الشرف بالسند المذكور فی اولها.

۳۳. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۱۰.

۳۴. رساله فی العدالة، ص ۲۵۶ - ۲۵۸.

۲. هبة الله ابن نما

شیخ حرّ در «امل الآمل» از او به عنوان «فاضل صالح» یاد کرده است.^{۳۵} ابن حجر، وی را از رؤسای امامیه شمرده و تخصص غالب او را حدیث دانسته است.^{۳۶} حاجی نوری در خاتمه مستدرک می‌نویسد:

وی در بسیاری از اسناد با عنوان «رئیس عقیف» یاد شده است.^{۳۷} صاحب ریاض العلماء نیز وی را با عناوین «فاضل، عالم، فقیه، جلیل» ترجمه کرده است.^{۳۸} افزون بر این موارد، توثیق صاحب کتاب «المزار الکبیر» است. در ضمن نام «هبة الله ابن نما» در صدر یکی از چهار سندی قرار دارد که به «شیخ طوسی» می‌رسد و «کتاب سلیم» را نقل می‌کند.^{۳۹}

طبقه دوم

در این طبقه نام جناب «الحسین بن احمد بن محمد بن علی بن طحال المقدادی» دیده می‌شود. وی در فهرست منتجب الدین^{۴۰} با تعبیر «فقیه، صالح، قرء علی الشیخ ابن علی الطوسی» و در «امل الآمل»^{۴۱} با تعبیر «الشیخ ابو عبد الله الحسین بن احمد بن طحال المقدادی، کان عالماً جلیلاً، روی عنه ابن شهر آشوب» ترجمه شده است.

افندی در ریاض العلماء^{۴۲} نیز او را با عناوینی چون «الشیخ الامین العالم، من اکابر علمائنا» ترجمه کرده است. افندی همچنین نام وی را در صدر سندی که زیارت جامعه موجود در «المزار» مفید را نقل کرده، دیده است. تعبیر «الشیخ الامین العالم» در سندهای دیگر «المزار الکبیر» ظاهراً از سوی دو نفر اول سند یعنی «عربی بن مسافر» و «هبة الله ابن نما» بیان شده و می‌تواند تأیید دیگری بر مورد وثوق بودن وی باشد.

۳۵. امل الآمل، ج ۲، ص ۳۴۳، الرقم ۱۰۶۲.

۳۶. لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۹۰.

۳۷. خاتمه المستدرک، ج ۳، ص ۱۸.

۳۸. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۱۶.

۳۹. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۲۲: اسانید الکتاب اربعة اسانید الی الشیخ الطوسی اخبارنی الرئیس العقیف ابو البقاء هبة الله ابن نما بن علی بن حمدون رضی الله عنه، قراءة علیه بداره بحلة الجامعین فی جمادی الاولى سنة خمس و ستین و خمسمئة، قال: حدثنی الشیخ الامین العالم ابو عبد الله الحسین بن احمد بن طحال المقدادی المجاور، قراءة علیه بمشهد مولانا امیر المؤمنین صلوات الله علیه سنة عشرين و خمسمئة، قال: حدثنا الشیخ المفید ابو علی الحسن بن محمد الطوسی رضی الله عنه، فی رجب سنة تسعین و اربعمئة.

۴۰. فهرست منتجب الدین، ص ۴۸، الرقم ۸۰.

۴۱. امل الآمل، ج ۲، ص ۹۰، الرقم ۲۴۰.

۴۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۱.

طبقه سوم

در طبقه سوم پسر شیخ طوسی «ابو علی حسن بن محمد الطوسی» قرار دارد. منتجب الدین در فهرست خود^{۴۳} با عنوان «فقیه، ثقة، عین، قرء علی والده جمیع تصانیفه، اخبرنا الوالد عنه رحمهم الله» و شیخ حرّ در «امل الآمل»^{۴۴} با عبارت «کان عالما فاضلا فقیها جلیلا ثقة» او را ترجمه کرده‌اند. در مجموع، ثقة بودن وی محرز است.

طبقه چهارم

در این طبقه، سند به نام «شیخ الطائفة» جناب «شیخ طوسی» مزین است که نیازی به بیان وثاقت وی نیست.

طبقه پنجم

در این طبقه، استاد «شیخ طوسی» جناب «ابو علی حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس» قرار دارد که در اثر تصحیف صورت گرفته در این کتاب، به صورت «محمد بن اسماعیل عن محمد بن اشناس» آمده است. جدّ اعلاّی او «اشناس» غلام «متوکل عبّاسی» بوده^{۴۵} و پس از مدتی، دارای موقعیت و نفوذ در «دستگاه عبّاسی» شد و به «امارت»^{۴۶} و «وزارت» رسید^{۴۷} و دارای شهرت بود. از این رو سعی بر آن بوده که وی را به جدش نسبت دهند.

نام این راوی در اسناد، به شکل‌های گوناگونی آمده است. گاهی در انتساب او به جدّش «اشناس»، نام همه شجره نسبی او تا «اشناس» ذکر شده و گاهی یک یا دو نفر از آن، حذف شده و به اختصار او را به جدّ مشهورش، منتسب کرده‌اند. این روش باعث توهّم تعدّد راوی شده؛ حال آن که به گواهی اسناد و طبقه روات، نام کامل این استاد «شیخ طوسی» همان است که در آغاز، آمد.

۴۳. فهرست منتجب الدین، ص ۴۶.

۴۴. امل الآمل، ج ۲، ص ۷۶، الرقم ۲۰۸.

۴۵. الانساب، ج ۱، ص ۱۶۹؛ الاشناسی: بفتح الالف و سکون الشین المعجمة و فتح النون و فی آخرها السین المهملة، هذه النسبة الی اشناس و هو غلام المتوکل، و المنتسب الیه ابو علی الحسن بن محمد بن اسماعیل بن اشناس بن الحمامی البزار مولی جعفر المتوکل.

۴۶. تاریخ مدینة دمشق، ج ۹، ص ۱۶۳، الرقم ۷۷۶؛ اشناس الترقی ولی امرة دمشق فی خلافة الواثق.

۴۷. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۱؛ و کان احمد بن الخصیب کاتب اشناس الترقی، و هو [ای اشناس] یلی اعمال الجزیره و الشامات و مصر و المغرب، و المدبّر لذلك احمد، فرغ الی الواثق انه قد حاز اموالا عظیمة، فسخط علیه، و قبض امواله و اموال اخیه ابراهیم، و عذبا، و عذبت امهملا. و توفی اشناس فی هذه السنة، فصبرت مرتبته و اکثر اعماله الی ایتاخ الترقی، و ترکت ضیاعه و امواله بحالها لولده، ورد القیام بها الی عبد الله بن صاعد، فلم یزل یقوم بها الی ان توفی.

حاجی نوری در «خاتمة المستدرک»^{۴۸} و محقق خویی در «معجم الرجال»^{۴۹} نیز بدین مطلب اشاره کرده‌اند. اما افندی در «ریاض العلماء»^{۵۰} و شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعة»^{۵۱} همه منتسبان به «اشناس» در کتب «سید ابن طاووس» و ترجمه شدگان در کتب رجالی متأخر را، یک نفر شمرده‌اند حتی «حسن بن علی بن اشناس» را که از سوی «شیخ حرّ» توثیق شده است. پس می‌توان گفت تمام این عناوین، متعلق به یک نفرند که نام کاملش «ابو علی حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس» است.

این شخص از معاصران «شیخ طوسی» و «نجاشی» است و بر اساس نحوه قرار گرفتن نام وی در اسناد، در رتبه مشایخ «شیخ طوسی» جای دارد. ترجمه‌ای که از او در تاریخ بغداد و دیگر آثار «شرح حال نگاری» سنّیان موجود است بر این امر، گواهی می‌دهد. این منابع او را متولّد سال ۳۵۹ هجری و متوفی ۴۳۹ شمرده‌اند.^{۵۲}

۴۸. ابو علی الحسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس البزّاز، الفقیه المحدث الجلیل المعروف بابن اشناس، و تارة بابن الاشناس البزّاز، و تارة بالحسن بن اسماعیل بن اشناس، و تارة بالحسن بن اشناس، و الكلّ واحد. و هو صاحب کتاب «عمل ذی الحجّة» الذي نقل عنه بخطّ مصنّفه السید ابن طاووس فی الاقبال، و كان تاریخه سنة ۴۳۷. و فی صدر اسناد بعض نسخ الصحيفة هكذا: اخبرنا ابو الحسن محمد بن اسماعیل بن اشناس البزّاز، قراءة عليه فاقريه، قال: اخبرنا ابو المفضل ... الى آخره، و هو والد هذا الشيخ، و لكن فی صدر الصحيفة المنسوبة اليه هكذا: اخبرنا ابو علی الحسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس البزّاز، قراءة عليه فاقر به، قال: حدثنا ابو المفضل محمد بن عبد الله ... الى آخره.

۴۹. معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۸۸، الرقم ۲۷۲۹: الحسن بن اشناس يأتي فی الحسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس؛ معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۱۲، الرقم ۳۰۸۸: الحسن بن محمد بن اسماعیل ...

۵۰. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۶۰ و ص ۱۶۱ و ص ۲۳۴ و ص ۳۱۱.

۵۱. الذریعة، ج ۲، ص ۲۲۵، الرقم ۸۸۵: الاعتقادات للشيخ حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس البزّاز صاحب (عمل ذی الحجّة) الذي وثّقه السید رضی الدین علی ابن طاووس فی تصانیفه، ذكره فی امل الآمل بعنوان الحسن بن علی بن اشناس. و فی اثبات الهداة بالحسن بن اسماعیل بن اشناس و الكلّ واحد و هو الراوی للصحيفة السجّادية عن ابی المفضل الشیبانی الذي توفي سنة ۳۸۷ كما فی صدر بعض نسخ الصحيفة المخالفة من بعض الجهات مع النسخ المشهورة: الذریعة، ج ۱۰، ص ۲۰۰، الرقم ۵۱۹: الرد علی الزیدية للشيخ حسن بن علی بن اشناس الراوی عن الشيخ المقيد ذكره فی امل الآمل، (اقول) هو الحسن بن محمد بن اسماعیل صاحب «عمل ذی الحجّة» الذي ينقل عنه السید ابن طاووس فی الاقبال. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۴۴، الرقم ۲۲۰۴: کتاب عمل ذی الحجّة للشيخ ابی علی الحسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد ابن اشناس، المصدر به بعض اسناد الصحيفة السجّادية، و هو من مشایخ شيخ الطائفة. نقل ابن طاووس فی الاقبال عن نسخة منه تاریخها سبع و ثلاثين و اربعمئة بخطّ مصنّفه، و قال فی عمل يوم المباهلة: انه اصل كتاب الحسن بن اسماعیل بن اشناس. یعنی نسخة اصل الكتاب و لم يرد الاصل الاصطلاحی كما صرح به ايضا فی الرياض و ابن اشناس هذا هو الذي يروى عن ابی المفضل محمد بن عبد الله الشیبانی. الذریعة، ج ۱۸، ص ۹۵، الرقم ۸۴۱: الكفاية فی العبادات للشيخ حسن بن علی بن اشناس البزّاز المنسوب اليه بعض الاختلافات فی نسخ الصحيفة الكاملة نسبة اليه السيد رضی الدین علی ابن طاووس فی بعض كتبه و مؤلفاته، و ذكره الشيخ الحرّ فی امل الآمل و هو يروى عن الشيخ المقيد. اقول: هو ابو علی الحسن بن محمد بن اسماعیل ابن محمد بن اشناس، المصدر به بعض النسخ الصحيفة، و الراوی عن ابی المفضل الشیبانی.

۵۲. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۴۳۸، الرقم ۳۹۹۸.

به نظر می رسد منظور از «الحسن بن اسماعیل» در برخی اسناد که «شیخ حر» او را تجلیل کرده نیز همین استاد «شیخ طوسی» باشد به ویژه آنکه در کنیه نیز مشترکند:

ابو علی الحسن بن اسماعیل المعروف بابن الحمامی، فاضل جلیل،
عده العلامه فی اجازته^{۵۳} من مشایخ الشیخ الطوسی من رجال
الخاصة.^{۵۴}

سید ابن طاووس در «اقبال الاعمال»، صاحب کتاب «عمل ذی الحجّة» را «الحسن بن اسماعیل بن اشناس» دانسته است:

و من اصل کتاب الحسن بن اسماعیل بن اشناس من کتاب عمل
ذی الحجّة.^{۵۵}

او در جایی دیگر از وی این گونه یاد کرده:

ابو علی الحسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس
البرزاز.^{۵۶}

و در جای سوم از او با عنوان «ابن اشناس البرزاز»^{۵۷} نام می برد.

این مطلب، به قرینه توصیف و ترجمه این راوی، در کتب شرح حال نگاری سنیان، حکایت از آن دارد که وصف های «حمامی» و «البرزاز» و «المتوکلّی» و «ابن اشناس» و «ابن اسماعیل» از شناسه های این راوی است. خطیب بغدادی او را چنین توصیف کرده است:

یکنی ابا علی و يعرف بابن الحمامی البرزاز.^{۵۸}

ابن حجر نیز او را «الحمامی» توصیف کرده است.^{۵۹}

بنابراین، علت یکی دانستن این عناوین، وجود قراین بسیار است. در واقع، ناقلان، به تناسب سلیقه و حوصله خود، نام او را تلخیص می کردند.

۵۳. منظور، همان اجازه نامه علامه حلی به بنی زهره است چنان که مرحوم خوبی می نویسد: «اقول: ذکره العلامه فی اجازته الکبیره لبني زهرة.»

۵۴. امل الآمل، ج ۲، ص ۶۳، الرقم ۱۶۶.

۵۵. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۱۰.

۵۶. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۴: وجدنا ذلك فی کتاب عمل ذی الحجّة تألیف ابی علی الحسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس البرزاز من نسخة عتیقة بخطه، تاریخها سنة سبع و ثلاثین و اربعمئة، و هو من مصنّفی اصحابنا رحمهم الله، باسناده الی رسول الله ﷺ.

۵۷. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۴۱: و من کتاب ابن اشناس البرزاز من طریق رجال اهل الخلاف فی حدیث آخر انه: لما وصل مولانا علی ﷺ الی المشركین یا آیات برائة.

۵۸. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۳۸، الرقم ۳۹۹۸.

۵۹. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۲۱، الرقم ۱۹۴۶: الحسن بن محمد بن اشناس المتوکلّی الحمامی، یروی عن عمر بن سنبکه قال الخطیب: رافضی خبیث کتبت عنه، کان یقرأ علی الشیعة مثالب الصحابة، توفی سنة تسع و ثلاثین و اربعمئة.

در سند فعلی زیارت آل یاسین، سند پس از «شیخ طوسی»، دچار تصحیف شده و نام استاد وی به شکل «محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس» آمده است، در حالی که در جست و جویهای انجام گرفته «محمد بن اشناس» در اسناد پیدا نشد. افزون بر آن، استاد «شیخ طوسی» در اسناد دیگر، «ابو علی حسن بن محمد اشناس» است.

ادامه سند نیز پرده از این تصحیف بر می‌دارد. پس از پایان سند و رسیدن به نام «محمد بن عبد الله حمیری» چنین آمده است:

قال: قال ابو علی حسن بن اشناس ...

بنابراین تصحیف نام وی در طبقه پنجم ثابت است.

از آن جا که «ابن اشناس» این زیارت را از سه طریق شنیده بود و برای راوی پس از خود نقل کرد، مؤلف کتاب، تلاش کرده تا برای خواننده روشن شود که افراد بعدی سند، به راویان پس از «ابن اشناس» در طریق‌های دیگر وی، مربوط هستند. از این رو، نام «ابن اشناس» را در آغاز دو طریق دیگر، تکرار کرده است. البته طریق سوم در چند صفحه بعد آمده و جالب آن است که به جناب محمد بن عثمان، نایب دوم می‌رسد.

داوری علما درباره این راوی

با پذیرش اتحاد راوی یادشده با «حسن بن علی بن اشناس» که نزد «سید ابن طاووس» و «شیخ حرّ» توثیق و تجلیل شده^{۶۰} جایگاه او روشن می‌شود. حتی با عدم پذیرش اتحاد نیز نمی‌توان او را مجهول و یا ضعیف دانست. چرا که نام این استاد «شیخ طوسی» در کلام «سید ابن طاووس» با احترام و تجلیل آمده است:

وجدنا ذلك في كتاب عمل ذي الحجة تأليف ابي علي الحسن بن محمد بن اسماعيل بن محمد بن اشناس البزاز من نسخة عتيقة بخطه، تاريخها سنة سبع و ثلاثين و اربع مئة، و هو من مصنفي اصحابنا رحمهم الله، باسناده الي رسول الله ﷺ.^{۶۱}

افزون بر این، در «مستدرک الوسائل» و «الذريعة»، او همان شخصیت مورد اعتماد «سید ابن طاووس» دانسته شده است. افندی نیز در «ریاض العلماء»^{۶۲} در ترجمه وی، از او با عناوینی چون «الفقيه المحدث الجليل»، «كان من اجلاء هذه الطائفة» و «هو الشيخ الكبير» یاد کرده است. نام

۶۰. امل الأمل، ج ۲، ص ۶۹، الرقم ۱۹۰: الحسن بن علی بن اشناس، كان عالما فاضلا، وثقه السيد علي ابن طاووس في بعض مؤلفاته، له كتب منها: الكفاية في العبادات، و كتاب الاعتقادات، و كتاب الرد على الزيدية، و غير ذلك يروى عن الشيخ المفيد.

۶۱. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۴.

۶۲. رياض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۱ - ۳۱۴.

وی در اسناد صحیفه سجادیه‌ای که به خط «علی بن سکون» است دیده می‌شود. همچنین عامه حلی در اجازه خود به بنی زهره^{۶۳} نام وی را در زمره اساتید «شیخ طوسی» آورده است. شیخ طوسی نیز در کتاب «امالی»، احادیث «ابو مفضل» را از وی نقل می‌کند.^{۶۴}

مرحوم تستری در «قاموس الرجال» پس از نقل عبارت «امل الآمل» تأکید می‌کند که «ابن شناس» معاصر «نجاشی» و «شیخ طوسی» بوده و به همین دلیل از سوی آنان ترجمه نشده است.^{۶۵} در منابع اهل سنت از وی به عنوان «رافضی تندرو» که جلسات حدیثی خاصی در منزل خود تشکیل می‌داده و روایات تقبیح صحابه را نقل می‌کرده، یاد شده است.^{۶۶} شاید این گونه رفتار وی باعث شده تا کسانی چون «نجاشی» و «شیخ طوسی» راه احتیاط در پیش بگیرند و شرح حال او را بیان نکنند؛ خصوصاً با توجه به این که در آن دوران، کشمکش و درگیری بین شیعیان و سنیان بغداد بسیار شدید بود و حتی گاهی دخالت دستگاه حکومتی هم در آرام کردن اوضاع، نتیجه‌بخش نبود. تاکنون روشن شد که نام این راوی به شکل‌های گوناگونی آمده و احتمال دارد همین امر باعث خطای در نسخه‌برداری شده و به تصحیف سند انجامیده باشد. همچنین مشخص شد که این راوی از اساتید نجاشی و شیخ طوسی و مورد احترام و تجلیل و توثیق برخی علما بوده است.

وضعیت سند پس از طبقه پنجم

چنان که گذشت، سند پس از طبقه پنجم (حسن بن شناس) به سه شاخه و طریق تقسیم می‌شود که در ذیل، افراد این سه شاخه بررسی می‌شوند.

رجال شاخه اول

این گروه عبارتند از: ابو الحسن بن شاذان، محمد بن علی بن زنجویه، محمد بن عبد الله الحمیری.

۶۳. بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۶۰.

۶۴. کارشناسان نرم افزار تخصصی «درایة النور» نیز بدین نتیجه رسیده‌اند که وی «امامی ثقه» است.

۶۵. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۹۶.

۶۶. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۲۸، الرقم ۳۹۹۸: الحسن بن محمد بن اسماعیل بن شناس مولی جعفر المتوکل و یکنی ابا علی و یعرف بابن الحمافی البزار، سمع الحسن بن محمد بن عبید العسکری و عمر بن محمد بن سینک و عبید الله بن محمد بن عابد الخلال و ابا الحسن بن لؤلؤ و خلفا من هذه الطبقة کتبت عنه شینا یسیرا و کان سماعه صحیحا الا انه کان رافضیا خبیث المذهب و کان له مجلس فی داره بالکرخ بحضره الشیعة و یقرء علیهم مثالب الصحابة و الطعن علی السلف و سألته عن مولده فقال: فی شوال من سنة تسع و خمسين و ثلاثمئة و مات فی لیلة الاربعاء الثالث من ذی القعدة سنة تسع و ثلاثین و اربعمئة و دفن صبیحة تلک اللیلة فی مقربة باب الكناس.

۱. ابو الحسن بن شاذان

نام کامل او «ابو الحسن محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان القمی» است و در اسناد به صورت‌های مختلفی آمده است:

- ابو الحسن محمد بن احمد بن علی بن الحسن الشاذان القمی.^{۶۷}
- ابو الحسن محمد بن احمد بن الحسن بن شاذان القمی.^{۶۸}
- ابو الحسن محمد بن احمد بن علی بن شاذان القمی.^{۶۹}
- ابو الحسن محمد بن احمد بن الحسین بن شاذان.^{۷۰}
- ابو الحسن محمد بن احمد بن الحسن بن شاذان.
- ابو الحسن محمد بن احمد بن شاذان القمی.^{۷۱}
- ابو الحسن بن شاذان.^{۷۲}
- ابو الحسن.^{۷۳}

در این زیارت نام وی به شکل تصحیف شده «ابو الحسین محمد بن احمد بن یحیی القمی» آمده است. به نظر می‌رسد شباهت نام وی با روایت مشهوری مثل «محمد بن احمد بن یحیی القمی» صاحب «نوادر الحکمه» که دارای کنیه «ابو جعفر»^{۷۴} است و «احمد بن محمد بن یحیی العطار القمی» با کنیه «ابو علی»^{۷۵} باعث شده تا نسخه‌برداران با سابقه ذهنی از نام این بزرگان، دچار سهو قلم شوند و کلمه «یحیی» را در این جا بگنجانند. دلایل این تصحیف عبارتند از:

اول: کنیه این دو نفر «ابو جعفر» و «ابو علی» است؛ حال آن که کنیه وی در این سند «ابو الحسین» است و در واقع «ابو الحسن» بوده که تصحیف شده و «ابو الحسین» آمده است. خطای در نسخه‌برداری و تصحیف کلمات حسن و حسین به یکدیگر، امر رایجی است.

۶۷. کنز الفوائد، ص ۶۲.

۶۸. الامالی للطوسی، ص ۶۸۷، ح ۱۴۵۸ و ص ۷۰۶، ح ۱۵۱۱.

۶۹. کنز الفوائد، ص ۱۲۱؛ الاستنصار، ص ۲۰.

۷۰. کنز الفوائد، ص ۱۹۶.

۷۱. کنز الفوائد، ص ۱۸۵ و ص ۲۰۲.

۷۲. کنز الفوائد، ص ۱۸۵ و ۲۰۸.

۷۳. الامالی للطوسی، ص ۶۸۸، ح ۱۴۶۲؛ الاستنصار، ص ۲۱.

۷۴. رجال النجاشی، ج ۲، ص ۳۴۸، الرقم ۹۳۹.

۷۵. نجاشی در ترجمه «حسن بن سعید حمّاد» برای «احمد بن محمد بن یحیی العطار» کنیه «ابو علی» آورده است. (رجال النجاشی، ج ۱، ص ۵۹، الرقم ۱۳۷)

دوم: با توجه به رابطه شاگردی و استادی وی با جناب «محمد بن علی ابن زنجویه» در این کتاب، این رابطه در دیگر اسناد جست و جو و مشاهده شد که در منابع دیگر، هر جا «ابن زنجویه» آمده، شاگرد وی «ابو الحسن ابن شاذان» بوده است.

سوم: طبقه «ابو الحسن ابن شاذان» با طبقه این راوی هماهنگی دارد و حال آن که آن دو با این طبقه، فاصله دارند.

نجاشی در ترجمه پدر وی «احمد بن علی بن الحسن»، از او نقل حدیث می‌کند^{۷۶} و برای این پدر و پسر از تعبیر «رحمه الله» استفاده می‌کند. «محقق خویی» بدین جهت که وی استاد نجاشی است^{۷۷} او را ثقه می‌داند؛ زیرا خود نجاشی اساتیدش را توثیق عام کرده است.^{۷۸} شیخ طوسی نیز از او نقل روایت دارد.^{۷۹}

شیخ حرّ در «امل الآمل»^{۸۰} و افندی در «ریاض العلماء»^{۸۱} از او با عنوان «فاضل جلیل»، یاد کردند. صاحب «روضات الجنّات» هم با عناوین «الشیخ الفقیه و الرکن الوجیه» از او یاد کرده است.^{۸۲}

۷۶. رجال النجاشی، ص ۸۴، الرقم ۲۰۴: احمد بن علی بن الحسن بن شاذان ابو العباس القمی شیخنا الفقیه حسن المعرفة صَنَّف کتابین لم یصنّف غیرهما، کتاب زاد المسافر و کتاب الامالی اخیرنا بهما ابنه ابو الحسن رحمهماالله.

۷۷. آقا بزرگ نیز بدین مطلب تصریح دارد: الشیخ ابی الحسن محمد بن احمد بن شاذان القمی الذی هو من مشایخ النجاشی. (الذریعة، ج ۲۲، ص ۳۱۷، الرقم ۷۲۵۸)

۷۸. معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۷، الرقم ۱۰۱۴۹: محمد بن احمد بن علی بن الحسن، قال الوحید فی التعلیقة: «محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان العامی ابو الحسن، مضی فی ابيه ما یظهر منه حسن حاله، حیث جعل معرفاً لایه الجلیل، و ترخم علیه (جش)» اقول: تقدّم فی ترجمة احمد ابيه كلام النجاشی، و لیس فیہ تصریح باسمه، و لم یجعل معرفاً لایه، نعم، هو ثقة، لا لما ذکره، بل لانه شیخ النجاشی، و قد عرفت انّ مشایخه کلهم ثقات. ثمّ انّ النجاشی و ان لم یذكر اسمه، الا انّ اسمه محمد، و هو شیخ محمد بن علی الكراجکی، فقد یذكره بعنوان الشیخ ابی الحسن بن شاذان، انظر: ص ۶۳ و ص ۸۰ من کتاب کنز العرفان، طبع ایران، سنة ۱۳۲۲. و قد یقول: «حدّثنا الشیخ الفقیه ابو الحسن، محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان، بمکة فی المسجد الحرام، محاذی المستجار، سنة ۴۱۲» انظر: ص ۶۲ من کتاب. و قال الشیخ الحرّ فی تذکرة المتبحرین: «الشیخ محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان، جلیل، فاضل، کوفی، فاضل، جلیل، له کتاب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام، مئة متقبه من طرق العامة، روى عنه الكراجکی، و بیروى هو عن ابن بابویه، و کتابه المذكور عندنا» اقول: الظاهر انّ کلمة الحسنین من غلط النساخ، و الصحیح الحسن، كما عرفت.

۷۹. الامالی للطوسی، ص ۶۸۷، ح ۱۴۵۸: حدّثنا الشیخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی رحمه الله، قال: اخبرنا ابو الحسن محمد بن احمد بن الحسن بن شاذان القمی، قال: حدّثنی ابی، قال: حدّثنا محمد بن الحسن، قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، قال: حدّثنا محمد بن عیسی، قال: حدّثنی علی بن بلال، عن محمد بن بشر الدهان، عن محمد بن سماعة، قال: سال بعض اصحابنا الصادق علیه السلام ... الامالی للطوسی، ص ۶۸۸، ح ۱۴۶۲: و عنه [الشیخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی] قال: اخبرنا ابو الحسن، عن ابی عبد الله محمد بن علی، عن محمد بن جعفر بن بطه ...

۸۰. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۲.

۸۱. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۶.

۸۲. روضات الجنّات، ج ۶، ص ۱۷۹ به نقل از مقدمه محقق کتاب مئة متقبه، نشر الصدر، قم، ص ۱۶.

ابن شاذان، استاد جناب کراچکی، نویسنده الاستنصار و کنز الفوائد است و کتابی به نام «مئة منقبة» دارد. کراچکی در اسناد کتاب «کنز الفوائد»، از وی با عنوان «الشیخ الفقیه» یاد کرده است. در اسناد «المناقب» خوارزمی نیز از او با عنوان «الامام» یاد شده است.^{۸۳}

وی در این کتاب از مشایخ مشهور حدیثی، نقل حدیث کرده مانند جعفر بن محمد بن قولویه که دایی مؤلف است (منقبت ۲۲ و ۸۵)، شیخ صدوق (منقبت ۴۲)، محمد بن الحسن بن احمد بن الولید القمی ابو جعفر (م ۳۴۳ق) (منقبت ۴۱) و دیگران.

چنانکه گذشت «نجاشی»، شرح حال پدر این راوی را آورده، اما برای خود وی که استادش است، شرح حالی نمی‌آورد. شاید از آن رو که وی تحت الشعاع شخصیت پدرش قرار گرفته، با این که در نظر نجاشی، ثقه بوده، ترجمه او را ضروری تشخیص نداده است؛ به ویژه این که وی تألیفات زیادی ندارد. این توجیه درباره نیامدن نام او در آثار ترجمه‌ای شیخ طوسی نیز کاربرد دارد.

۲. محمد بن علی ابن زنجویه

کنیه وی در سند وجاده‌ای «بحار الانوار» و کتاب «الاستنصار» کراچکی، «ابو عبد الله» است. در جست و جوی‌های گوناگون، نام او در کتب رجال و تراجم پیدا نشد، فقط در اسناد «الاستنصار» کراچکی و کتاب «مئة منقبة» ابن شاذان و «الامالی» شیخ طوسی (هر کدام یک سند) نام او آمده که در هر سه سند، ارتباط سه طبقه یعنی ابوالحسن بن شاذان، ابو عبد الله محمد بن علی ابن زنجویه و محمد بن جعفر بن بطلة به طور پیوسته و همانند آمده است.^{۸۴}

۸۳. المناقب للخوارزمی، ص ۳۲ و ص ۷۱، ح ۴۷؛ و انبانی الامام الحافظ، صدر الحفاظ، ابو العلاء الحسن بن احمد العطار الهمدانی، و قاضی القضاة، الامام الاجل، نجم الدین ابو منصور محمد بن الحسین البغدادی قالوا: انبانا الشریف الامام الاجل نور الهدی ابو طالب الحسین بن محمد بن علی الزینبی رحمه الله عن الامام محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان
 ۸۴. الاستنصار، ص ۲۱؛ و حدیثنا الشیخ ابو الحسن قال: حدیثی ابو عبدالله محمد بن زنجویه قال: حدیثنا محمد بن جعفر قال: حدیثنا جعفر بن سلمة قال: حدیثنا ابراهیم بن محمد قال: حدیثنا ابو غسان قال: حدیثی یحیی بن سلمة عن ابیه عن ابی ادریس عن المسیب عن امیر المؤمنین علیه السلام قال: و الله مئة منقبة، ص ۵۹: المنقبة الثانية و الثلاثون حدیثی ابو عبد الله محمد بن علی بن زنجویه رحمه الله قال: حدیثنا محمد ابن جعفر، قال: حدیثی جعفر بن سلمة، قال: حدیثی ابراهیم بن محمد، قال: اخبرنا ابو غسان، قال: حدیثی یحیی بن سلمة، عن ابیه، عن ابی ادریس، عن المسیب عن امیر المؤمنین علیه السلام قال: و الله لقد خلفنی رسول الله صلی الله علیه و آله فی امته، فانا حجة الله علیهم بعد نبیہ الامالی للطوسی، ص ۶۸۸، ح ۱۶۶۲؛ و عنه [الشیخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی]، قال: اخبرنا ابو الحسن، عن ابی عبد الله محمد بن علی، عن محمد بن جعفر بن بطلة، قال: حدیثنا محمد بن الحسن، قال: حدیثی حمزة بن یعلی الاشعری، قال: حدیثی محمد بن داوود بن محمد النهدی، قال: حدیثی علی بن الحکم، عن الربیع بن محمد المسلی، عن عبد الله بن سلیمان، عن الباقر علیه السلام، قال: سألته عن زیارة القبور، قال: اذا كان یوم الجمعة فزرهم، فإنه من كان فیهم فی ضیق وسع علیه ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس، یعلمون بمن اتاهم فی کل یوم

در کتاب «طبّ الائمه» نیز شخصی به نام «محمد بن علی ابن زنجویه» با وصف «المتطبّب» آمده که تنها با یک واسطه یعنی «عبدالله بن عثمان» از امام جواد علیه السلام نقل حدیث کرده است. این شخص از نظر طبقه با راوی مورد بحث که متعلق به پس از دوره «غیبت صغری» است، فاصله دارد. بنابراین می‌توان گفت نام وی با احتساب سند «المزار الکبیر» و سند وجاده‌ای «بحار الانوار» از «زیارت آل یاسین»، در پنج سند آمده است. نتیجه آنکه، شناخت از وی، به همین مقدار است و از نظر کتب رجالی و تراجم، مجهول و مهمل است. با این حال شاید با افزایش آمار کتاب‌ها در نرم‌افزارهای علوم اسلامی، نام وی در اسناد دیگری پیدا شود.

۳. محمد بن عبد الله حمیری

محمد بن عبد الله حمیری قمی که دریافت‌کننده توقیع «زیارت آل یاسین» است در «رجال نجاشی» توثیق دارد.^{۸۵} او فرزند راوی شناخته شده جناب «عبد الله بن جعفر حمیری» است. محمد، چندین نامه برای صاحب الزمان علیه السلام نوشته و پاسخ آنها را دریافت کرده که در کتاب «الاحتجاج»^{۸۶} طبرسی، چهار نامه از او و در «الغیبة»^{۸۷} شیخ طوسی دو نامه از وی آمده است. به نظر می‌رسد این نامه‌ها در دوره «حسین بن روح» نوشته شده است، زیرا در سند نامه اول تصریح شده که جواب این نامه، به خط «احمد بن ابراهیم نوبختی» و املا «حسین بن روح» است. مرحوم طبرسی نیز در «الاحتجاج» پس از این چهار نامه، «زیارت آل یاسین» را آورده و از زبان حمیری، تصریح کرده که توقیع این زیارت، بعد از این مسائل و نامه‌های چهارگانه، برایش ارسال شده است. تاریخ آخرین نامه از چهار نامه، سال ۳۰۸ ق است. پس تاریخ توقیع زیارت، پس از سال ۳۰۸ ق است. بدین ترتیب تاریخ وصول این زیارت از ناحیه مقدسه، دوره «حسین بن روح» است (نیابت از سال ۲۲۶ - ۳۰۵).

نجاشی نیز به نامه‌نگاری او با امام زمان علیه السلام تصریح کرده، اما از عبارات وی بر می‌آید که یک نامه بیشتر نداشته است. نجاشی به نامه‌نگاری برادران او نیز اشاره کرده است:

۸۵ رجال النجاشی، ص ۳۵۴، الرقم ۹۴۹: محمد بن عبد الله بن جعفر بن الحسين بن جامع بن مالک الحمیری ابو جعفر القمی کان ثقة وجهاً کاتب صاحب الامر علیه السلام و ساهه مسائل فی ابواب الشریعة قال لنا احمد بن الحسين: وقعت هذه المسائل الی فی اصلها و التوقیعات بین السطور. همچنین شیخ طوسی در الفهرست و رجال از او نام می‌برد ولی هیچ گونه توصیف و توثیقی نمی‌آورد. (رجال الطوسی، ص ۴۴۸، الرقم ۶۳۷۴، الفهرست، ص ۴۴۱، الرقم ۷۰۸)

۸۶ الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۶۳ - ۵۹۱.

۸۷ الغیبة، ص ۳۷۳ و ص ۳۷۸.

كان ثقة وجها كاتب صاحب الامر عليه السلام و ساه مسائل في ابواب الشريعة. قال لنا احمد بن الحسين: وقعت هذه المسائل الى في اصلها و التوقيعات بين السطور. و كان له اخوة جعفر و الحسين و احمد كلهم كان له مكاتبة.^{٨٨}

شيخ حرّ عاملي، همه «مسائل حمیری» را متونی می‌داند که شیخ طوسی در بخش توقيعات کتاب «الغیبة» آورده است.^{٨٩} اگر او فقط یک نامه نوشته باشد باید در توجیه سخن طبرسی در «الاحتجاج»، گفته شود که نامه‌های برادران او، در سده‌های بعد، به نام وی ثبت شده و یا بخش‌های مختلف نامه، تویق جداگانه‌ای تلقی شده است.

با توجه به آن چه گذشت، سند اول، نمی‌تواند خالی از ضعف باشد.

رجال شاخه دوم سند

این گروه عبارتند از: حسن ابن اشناس، ابو مفضل محمد بن عبد الله الشیبانی^{٩٠} و محمد بن عبد الله حمیری.

از آن جا که شرح حال «ابن اشناس» و «محمد بن عبد الله حمیری» در بحث‌های قبلی گذشت، در این بخش، فقط شرح حال «ابو مفضل محمد بن عبد الله الشیبانی» می‌آید.

ابو مفضل، حدود ٩٠ سال عمر کرد. سال تولدش را ٢٩٧ق، سال اخذ اولین حدیث را ٣٠٦ق و سال وفاتش را حدّا کثر ٣٨٨ق دانسته‌اند. وی در کتب رجال نجاشی، شیخ طوسی و دیگران، دارای ترجمه است. نجاشی در ترجمه وی می‌نویسد:^{٩١}

او اصالتاً کوفی است. تمام عمرش در پی جستن حدیث، به سفر گذشت. وی در آغاز عمر، مشکلی از جهت «ثبّت» نداشت اما بعداً دچار خلط شد. من مشاهده کردم بیشتر اصحاب او را «ضعیف»

٨٨. رجال النجاشی، ص ٣٥٤، الرقم ٩٤٩.

٨٩. وسائل الشیعة، ج ٢٠، ص ٣١؛ و اعلم انه قد روی الشيخ فی کتاب الغیبة جمیع مسائل اسحاق بن یعقوب و جواباتها من صاحب الزمان عليه السلام، عن جماعة، عن جعفر بن محمد بن قولویه و ابو غالب الزراری و غیرهما، عن محمد بن یعقوب، عن اسحاق بن یعقوب. و روی جمیع مسائل محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری عن صاحب الزمان عليه السلام، عن جماعة عن ابی الحسن محمد بن احمد بن داود قال: وجدت بخط احمد بن ابراهیم التوبختی و املاء ابی القاسم الحسین بن روح، و ذکر المسائل کما رواها الطبرسی و اورداها بروایت.

٩٠. رابطه استاد و شاگردی بین این دو (نقل ابن اشناس از ابو مفضل شیبانی) در اسناد سایر روایات موضوع مهدویت نیز دیده می‌شود به خصوص در الغیبة شیخ طوسی. (به عنوان مثال رجوع کنید به متن موجود در ص ١٦٤ شماره ١٢٦)

٩١. رجال النجاشی، ص ٣٩٦، الرقم ١٠٥٩.

می‌شمارند. وی کتاب‌های زیادی دارد مثل کتاب «شرف التریة» و «کتاب القلم». من خود این شیخ را دیده و از او نیز احادیث زیادی شنیده‌ام اما بعداً، نقل حدیث از او را ترک کردم مگر آن که بین من و او کسی واسطه شده باشد.

منظور نجاشی آن است که پس از مدتی او دچار خلط شد؛ بدین جهت دیگر از او حدیث نقل نکردم، اما اگر کسی از او حدیث نقل می‌کرد می‌پذیرفتم؛ زیرا به فرد واسطه، اعتماد داشتم و فرض بر این بود که فرد واسطه، این حدیث را، قبل از دوران خلط ابو مفضل از او شنیده است.

شیخ طوسی نیز با تعابیر «کثیر الروایة، حسن الحفظ، غیر آنه ضَعْفَه جماعة من اصحابنا.»^{۹۲} و «کثیر الروایة، اَلَّا آنه ضَعْفَه قوم»^{۹۳} از او یاد کرده است.

ترجمه وی در «کتاب الضعفاء» منسوب به ابن غضائری (از نویسندگان سده پنجم) نیز چنین آمده است:

وضَّاعٌ کثیر المناکیر، رایت کتبه و فیها الاسانید من دون المتون و المتون من دون الاسانید و اری ترک ما ینفرد به.^{۹۴}

در بین متأخران، ابن شهر آشوب، متأثر از کلام پیشینیان، او را ضعیف شمرده است.^{۹۵} خطیب بغدادی، شرح حال او را در «تاریخ بغداد» آورده و وی را به نقل «غرائب الحدیث»، «دروغ‌گویی» و «جعل حدیث» برای شیعیان و «خلط» متهم کرده است.^{۹۶}

از تعابیر «کان فی اوّل امره ثبتاً ثم خلط» در رجال نجاشی و «کثیر الروایة، حسن الحفظ» در فهرست شیخ طوسی چنین بر می‌آید که او در آخر عمر، مشکل پیدا کرده و در آغاز، مورد اعتماد اهل حدیث بوده است. چنان که نجاشی تصریح دارد بر این که در آغاز جوانی و در دورانی که او دچار «خلط» نشده بود، در محضر درس حدیثش حاضر می‌شد و حدیث می‌شنید. بنابراین آن چه باعث شد که اصحاب حدیث معاصر او، از دریافت حدیثش پرهیز کنند و به گفته نجاشی او را ضعیف بشمارند، «خلط» وی در آخر عمر است.

۹۲. فهرست، ص ۴۰۱، الرقم ۶۱۱.

۹۳. رجال الطوسی، ص ۴۴۷، الرقم ۶۳۶۰.

۹۴. رجال ابن الغضائری، ص ۹۸، الرقم ۱۴۹.

۹۵. معالم العلماء، ص ۱۷۵، الرقم ۹۹۲.

۹۶. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۴۶۶، الرقم ۳۰۱۰. ابن عساکر نیز شرح حال او را نگاشته که منبع اصلی وی همین متن تاریخ بغداد است. (تاریخ مدینة دمشق، ج ۵، ص ۱۴، الرقم ۶۵۶۵)

به نظر می‌رسد «خلط» او ناشی از کهولت سن بوده و در دو یا چند سال آخر عمر او روی داد. نجاشی متولد ۳۷۲ق است و «ابو مفضل شیبانی» نهایتاً تا سال ۳۸۸ق زنده بود. بنابراین، اخذ حدیث نجاشی از وی، باید در چهارده سالگی یا کمتر از آن، اتفاق افتاده باشد. اگر سن اخذ حدیث نجاشی را ده سالگی بدانیم باز هم دوران «خلط» ابو مفضل، سال‌های پایانی عمرش است.

قرینه دیگر، تاریخی است که برای اخذ «صحیفه سجّادیه» از او در برخی اسناد وجود دارد که بر اساس آن، در سال ۳۸۶ق «حسین بن عبید الله غضائری» پدر «ابن غضائری» مشهور، از وی حدیث نقل کرده است.^{۹۷} پس «خلط» او پس از ۳۸۶ق اتفاق افتاده است.

قرینه دیگر، تعبیری است که «نجاشی» در ترجمه «ابو الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی الیهذلی» درباره وی به کار برده است:^{۹۸}

این مرد کسی است که ابو مفضل (ره) گمان کرده، او را ملاقات

کرده و اجازه حدیثی از او دریافت کرده است.

این سخن نشان از آن دارد که وی در همین دوران پیری و «خلط» این چنین گفته که نجاشی از واژه «زعم» استفاده می‌کند.

اما تعبیری که در کتب رجالی درباره وی آمده و بر ضعف او حکایت دارند نیز می‌تواند ناظر به همین دوره از عمر وی باشد. تعبیر نجاشی همچون «کان سافر فی طلب الحدیث عمره»، «و کان فی اول امره ثبّتا» و «رایت هذا الشیخ و سمعت منه کثیراً»، همگی، بر توثیق وی به عنوان راوی تا چند سال آخر عمرش، دلالت دارند؛ خصوصاً آن که حتی در این دوران نیز با تعبیر «رحمه الله» از او یاد می‌کند. اما عبارت «و رایت جلّ اصحابنا یغمزونه و یضعفونه» صرفاً نقل نظر اصحاب، بدون تأیید است.

البته نشانه‌های پرهیز نجاشی از وی در کتاب رجال او نیز پیداست؛ چنان که هرگاه از او نقل کرده از تعبیر «قال» استفاده کرده^{۹۹} و تعبیر رایج «حدّثنا» را به کار نبرده است که حکایت از وجود واسطه در این نقل‌ها دارد.

۹۷. ریاض السالکین، ج ۱، ص ۴۹؛ و يوجد له فی هوامش نسخ الصحیفة طریق ثالث و صورته: حدّثنا الشیخ الاجلّ السید الامام السعید ابو علی الحسن بن محمّد بن الحسن الطوسی ادام‌الله‌تأییده فی جمادی الآخرة من سنة احدى عشرة و خمسمئة قال: اخبرنا الشیخ الجلیل ابو جعفر محمّد بن الحسن الطوسی قال: اخبرنا الحسن بن عبید الله الغضائری قال: حدّثنا ابو الفضل محمّد بن عبید الله بن المطّلب الشیبانی فی شهر سنة خمس و ثمانین و ثلاثمئة.

۹۸. رجال النجاشی، ص ۲۵۴، الرقم ۶۶۵: علی بن الحسین بن علی المسعودی ابو الحسن الیهذلی له کتاب المقالات فی اصول الدیانات ... کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر، کتاب الفهرست. هذا رجل زعم ابو المفضل الشیبانی رحمه‌الله انه لقيه و استجازه و قال: لقیته، و بقى هذا الرجل الى سنة ثلاث و ثلاثین و ثلاثمئة.

۹۹. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۳۳، الرقم ۳۳۹: حمید بن زیاد بن حماد بن حماد بن زیاد هوار الدهقان ابو القاسم کوفی ... قال ابو المفضل الشیبانی: اجازنا سنة عشر و ثلاثمئة، و قال ابو الحسن علی بن حاتم: لقیته سنة ست و ثلاثمئة و سمعت منه کتابه (کتاب)

شیخ طوسی نیز با تعبیر «کثیر الروایة، حسن الحفظ، غیر آنه ضَعْفه جماعة من اصحابنا» نظر مثبت خود را نسبت به او ابراز می‌دارد و صرفاً تضعیف گروهی از اصحاب را گزارش می‌کند. در این میان، تنها تضعیف «ابن غضائری پسر» باقی می‌ماند که جای تأمل دارد. این تضعیف می‌تواند ناظر به آخر عمر او یعنی دوران خلطش باشد چنان که از تعبیر «رایت کتبه و فیها الاسانید من دون المتون و المتون من دون الاسانید»^{۱۰۰} این نکته قابل برداشت است.

بررسی گزارشی از نجاشی

نجاشی در ترجمه «شلمغانی»^{۱۰۱} می‌نویسد:

قال ابو الفرج محمد بن علی الکاتب القنائی: قال لنا ابو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب: حدثنا ابو جعفر محمد بن علی الشلمغانی فی استتاره بمعلثایا بکتبه.^{۱۰۲}

بر اساس این گزارش «ابو مفضل»، در دوران فراری بودن شلمغانی در موصل یعنی پیش از ۳۲۲ق (سال اعدام شلمغانی)، نزد وی، به اخذ حدیث پرداخته است در حالی که اصحاب، از «شلمغانی» به دلیل ادعای کذب نیابت خاصه امام عصر علیه السلام روی گردان بودند. سن «ابو مفضل» در این دوران، حدود بیست سال بود. اموری چون کم‌تجربگی، جوانی و حرص برای اخذ حدیث که از تعبیر «کان سافر فی طلب الحدیث عمره» نجاشی نیز بر می‌آید، می‌تواند دلیل مراجعه وی به «شلمغانی» باشد؛ خصوصاً با توجه به این که پیش از انحرافش، محدثی بزرگ، با سابقه و پُر حدیث بود. هرچند که این مراجعه، می‌تواند ناشی از ضعف وی در شناخت اشخاص و شرایط و اوضاع روزگار خود باشد.

الرجال قراءة و اجاز لنا کتبه، و مات حمید سنة عشر و ثلاثمئة. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۶۷، الرقم ۴۳۹: رجاء بن یحیی بن سامان ابو الحسین العبرتائی الکاتب روی عن ابي الحسن علی بن محمد صاحب العسکر علیه السلام و قيل ان سبب وصلته کانت به: ان یحیی بن سامان وکل برفع خبر ابي الحسن علیه السلام و کان امامیا فحظیت منزلته و روی رجاء رسالة تسمى المقنعة فی ابواب الشریعة رواها عنه ابو المفضل الشیبانی. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۸۱، الرقم ۱۰۳۷: محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله بن اسماعیل الکاتب ... قال ابو المفضل الشیبانی: حدثنا ابو بکر بن ابي التلج.

۱۰۰. رجال ابن الغضائری، ص ۹۹.

۱۰۱. وی از مدعیان دروغین نیابت خاصه امام عصر علیه السلام در دوران غیبت صغری، همزمان با دوران نیابت حسین بن روح بود و از سوی رهبری جامعه شیعه طرد شد و به دلیل ادعاهای انحرافی و کفر آمیز، از سوی دستگاه خلافت نیز مورد تعقیب بود و بدین جهات مدتی را در خفا به سر می‌برد و سرانجام نیز دستگیر و اعدام شد.

۱۰۲. رجال النجاشی، ص ۳۷۸، الرقم ۱۰۲۹.

از سوی دیگر، ترجمه او در «تاریخ بغداد» نشان می‌دهد که وی در حوزه حدیثی سنیان نیز فعال بود. این نکته می‌تواند نشانه میانه‌روی او باشد؛ اما در دوران پیری دچار «خلط» شده و جانب احتیاط را نگه نداشت و روایاتی را نقل کرد که اهل سنت را خشمگین نمود. هرچند محدث نامدار سنی «دارقطنی» (م ۳۸۵ق) او را فقط، شبیه شیوخ حدیثی شمرده، اما آثار علمی و فعالیت حدیثی وی در دو حوزه شیعی و سنی، دلالت بر تشخیص و شیخوخت او دارد؛ چنان که نجاشی به فراوانی کتاب‌های وی تصریح کرده^{۱۰۳} و نام او در بسیاری از اسناد روایی شیعی و سنی از جمله اسناد «صحیفه سجّادیه» مشهور و غیر مشهور به چشم می‌خورد. شیخ طوسی در «الامالی»، بخش زیادی از کتاب را به روایات وی، اختصاص داده است. همچنین او، یکی از چند واسطه «شیخ طوسی» به کتاب «الکافی» کلینی است.^{۱۰۴}

با این همه، باید مشخص شود که «ابن اشناس» این زیارت را در چه دوره‌ای، از وی نقل کرده است. به نظر می‌رسد او این زیارت را در سال‌های قبل از «خلط» ابو مفضل، دریافت کرده باشد، زیرا «ابن اشناس» متولد ۳۵۹ق است و ابن غضائری پدر نیز «صحیفه سجّادیه» را در سال ۳۸۵ق از «ابو مفضل شیبانی» دریافت کرد. از سوی دیگر ابو مفضل، تا سال ۳۸۵ق یعنی ۲۶ سالگی «ابن اشناس» مورد اعتماد اصحاب بود و احتمالاً سال‌های ۳۸۶ تا ۳۸۸ق دچار عارضه شده باشد. بنابراین «ابن اشناس» تا پیش از «خلط» او، در سن دریافت حدیث بوده و قاعدتاً در این دوران، اخذ حدیث کرده است؛ خصوصاً با توجه به این که عموم اصحاب از دریافت حدیث از او در دوره خلط، پرهیز داشتند. با این حال نمی‌توان به طور قطعی، شبهه اخذ در دوره «خلط» را رد کرد.

بدین ترتیب، این شاخه از سند نیز به دلیل وجود «ابو مفضل شیبانی»، گرفتار احتمال ضعف است.

رجال شاخه سوم

این گروه عبارتند از: ابو علی حسن بن اشناس، عبد الله بن محمد دعلجی، حمزة بن محمد بن حسن بن شیب، احمد بن ابراهیم بن ابی رافع و محمد بن عثمان نایب سوم ولی عصر علیه السلام. چنان که گذشت، صاحب «المزار الکبیر» این شاخه از سند را در ادامه بابی که زیارت «آل یاسین» را توصیه کرده، آورده است؛ آن جا که دوباره «زیارت آل یاسین» را پس از نمازهای خاص برای امام عصر علیه السلام سفارش می‌کند. این شیوه توجه، از سوی نایب خاص، جناب محمد بن عثمان، توصیه شده و دارای سند جداگانه از «ابن اشناس» به بعد است که شاخه سوم سند به شمار می‌آید.^{۱۰۵}

۱۰۳. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۹۶، الرقم ۱۰۵۹: له كتب كثيرة، منها: كتاب شرف التربة ...

۱۰۴. الفهرست، ص ۳۹۵، الرقم ۶۰۳: محمد بن يعقوب الكليني و اخبرنا الحسين بن عبيد الله قراءة عليه اكثر الكتاب الكافي عن جماعة منهم ابو غالب احمد بن محمد الزراري و ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه و ابو عبد الله احمد بن ابراهيم الضميري المعروف بابن ابی رافع و ابو محمد هارون بن موسى التلعكبري و ابو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني كلهم عن محمد بن يعقوب.

۱۰۵. المزار الکبیر، ص ۵۸۵: بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۹۰۷.

۱. ابو محمد عبد الله بن محمد الدعلجی

دعلجی از اساتید «نجاشی» است.^{۱۰۶} نجاشی ترجمه او را آورده و وی را فقیهی عارف دانسته که در نزدش، مباحث «مواریث» آموخته است.^{۱۰۷} از آن جا که «نجاشی» اساتید خود را توثیق عام کرده و محقق خوبی نیز اساتید وی را ثقة و مورد اعتماد می‌داند، توضیح بیشتری درباره وی لازم نیست.

۲. ابوالحسین حمزة بن محمد بن الحسن بن شیبی

نام وی در کتب رجالی و حتی اسناد دیگر، پیدا نشد؛ لذا وی کاملاً مهمل است.

۳. ابو عبد الله احمد بن ابراهیم

با جست‌وجوهایی که در اسناد مختلف برای شناسایی وی انجام گرفت، مشخص شد وی از لحاظ کنیه و طبقه، با «احمد بن ابراهیم بن ابی رافع» که از سوی «نجاشی» و «شیخ طوسی» ترجمه و توثیق شده مشترک است. این اشتراکات، قراین خوبی است بر اتحاد این دو. احمد بن ابراهیم بن ابی رافع از سوی «نجاشی» با تعبیر «کان ثقة فی الحدیث، صحیح الاعتقاد»^{۱۰۸} و از سوی «شیخ طوسی» با عبارت «ثقة فی الحدیث، صحیح العقیده»^{۱۰۹} توثیق شده است.

۴. محمد بن عثمان نایب دوم خاص ولی عصر علیه السلام

ایشان تا سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ ق عهده‌دار نیابت بود و نیازی به ترجمه و توثیق ندارد. بدین ترتیب، این شاخه نیز به دلیل مهمل بودن یکی از راویان، گرفتار ضعف است.

درباره محمد بن علی

در سند این زیارت، از «محمد بن علی» نقل شده:

جناب محمد بن عثمان مرا نزد «محمد بن علی» فرستاد تا از

روی زیارتی که نزد وی است نسخه بردارم.

در دوره نایب دوم، افراد بسیاری با نام «محمد بن علی» بودند که نمی‌توان به درستی شخصیت مورد اشاره را شناخت؛ اما ارجاع افراد از سوی نایب دوم به وی، می‌تواند نشانه نزدیکی او به «محمد

۱۰۶. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۹۰: قال ابو محمد عبد الله بن محمد الدعلجی رحمه الله: اخبرنا ابو علی احمد بن علی عن احمد بن محمد بن دول القمی ...

۱۰۷. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۲۳۰، الرقم ۶۰۹: عبد الله بن محمد بن عبد الله ابو محمد الحذاء الدعلجی، منسوب الی موضع خلف باب الكوفة ببغداد، يقال له الدعالجة، کان فقیها عارفا، و علیه تعلمت الموارث، له کتاب الحج.

۱۰۸. احمد بن ابراهیم بن ابی رافع بن عبید بن عازب اخی البراء بن عازب الانصاری اصله کوفی، سکن بغداد، کان ثقة فی الحدیث، صحیح الاعتقاد.

۱۰۹. الفهرست، ص ۷۸، الرقم ۹۶: احمد بن ابراهیم بن ابی رافع الصیمری، یکنی ابا عبد الله ... ثقة فی الحدیث، صحیح العقیده.

بن عثمان» باشد. شاید او بخشی از کارهای دستگاه نیابت را بر عهده داشت و نایب دوم برخی از کارهای مربوط به خود را بدو ارجاع می‌داد. در بین افراد نزدیک به نایب دوم، دو نفر با نام‌های «محمد بن علی بن اسود»^{۱۱۰} و «محمد بن علی بن متیل» (از خاندان متیل)^{۱۱۱} وجود دارند. گمان می‌رود فرد مورد اشاره، یکی از این دو نفر باشد و به نظر می‌رسد وی «محمد بن علی بن اسود» باشد، زیرا متون دیگر، دستیاری او برای «محمد بن عثمان» را گزارش کرده‌اند.

هر دو نفر یاد شده، از اساتید «شیخ طوسی» هستند و مورد اعتماد بودن آنها، از اسناد پیداست. البته مشخص است که وی در مسیر سند زیارت نیست و صرفاً امانت‌دار یک مکتوبه است. درباره او نیازی به دقت و وسواس بیشتری نیست.

(د) جمع‌بندی ارزیابی سند

چنان که گذشت، سند این زیارت، پس از طبقه پنجم، سه شاخه می‌شود و بدین ترتیب، تعداد اسناد این زیارت در این کتاب، سه سند است. با توجه به آن چه گفته شد، افراد موجود در پنج طبقه اول سند، عموماً قابل اعتمادند اما تردیدهایی در خصوص «حسن بن اشناس» وجود دارد.

در ارزیابی سه شاخه دیگر نیز می‌توان گفت: در شاخه اول، فقط «محمد بن علی ابن زنجویه» ناشناخته است؛ مگر آن که نقل روایت «ابن شاذان» را از او، قرینه‌ای بر معتمد بودنش بدانیم؛ چرا که «ابن شاذان» از اساتید «نجاشی» است و بنا بر گفته نجاشی، ثقة است.

در شاخه دوم نیز فقط جناب «ابو مفضل شیبانی» است که توسط برخی، تضعیف شده اما وی در دوران قبل از «خلط»، مورد اعتماد بود.

در شاخه سوم نیز به جز «حمزة بن محمد بن حسن بن شیب» که ناشناخته است، باقی افراد، ثقة و مورد اعتمادند. به نظر می‌رسد که نقل استاد «نجاشی» از او و عدم وجود جرح علیه وی و همچنین منطقی بودن عبارات شأن صدور این زیارت در این شاخه که توسط «محمد بن عثمان» بیان شده، همگی باعث افزایش اعتماد به این سند می‌شود و شاید مشکل اهمال راوی را جبران کند. همچنین باید توجه داشت که مهمل بودن راوی، به معنای ضعف و جرح او نیست؛ چرا که ممکن است وی نزد معاصران و شاگردانش شناخته شده و موثق بوده باشد.

بدین ترتیب، هرچند با نگاه متعارف رجالی، سند این زیارت در هر سه نوع آن، دچار ضعف است، اما می‌توان گفت جایگاه آن به عنوان متنی مرتبط با مستحبات، این امکان را بدان داده که از کمند سخت‌گیری‌های رایج فقهی در ارزیابی اسناد، رها باشد چرا که سیره علما در این گونه موارد، تمسک به قاعده «تسامح در ادله سنن» است.

۱۱۰. نام وی گاهی به صورت «محمد بن علی الاسود» نیز آمده که با توجه به ذکر کنیه «ابو جعفر» برای وی و نزدیکی به نایب دوم در هر دو مورد، معلوم می‌شود که این دو عنوان یک نفر هستند.

۱۱۱. نایب دوم ارتباط زیادی با این خاندان داشته است به گونه‌ای که در خانه یکی از اینان زندگی می‌کرد و بسیاری گمان داشتند پس از نایب دوم یکی از افراد این خاندان به نیابت خواهد رسید.

افزون بر آن، برخی امور دیگر نیز می‌تواند به افزایش اعتبار این زیارت کمک کند؛ مثل نقل این زیارت در کتاب «الاحتجاج» طبرسی و نقل جدید از سند در «بحار الانوار». مرحوم مجلسی از طریق «وجاده» و از طریق خطّ «محمد بن علی جبعی» به نقل از «خطّ علی بن سکون» از جناب «عربی بن مسافر» این زیارت را نقل می‌کند که سندش، عیناً همانند این سند است و تنها اختلاف سند بحار با این سند، وجود «عن محمد بن الحسین البزاز» به جای «محمد بن اشناس» است و پیشتر درباره راه حلّ آن سخن به میان آمد.

متن موجود در «الاحتجاج» نسبت به متن «المزار الکبیر» تفاوت‌هایی دارد که مهم‌ترین آن، خلاصه‌تر بودن است. به نظر می‌رسد با توجه به عدم دقت در نسخه برداری از «المزار الکبیر»، متن «الاحتجاج» مطمئن‌تر باشد خصوصاً آن که «شیخ عباس قمی» نیز در «مفاتیح الجنان» همین متن را برگزیده است.

درباره صدور زیارت

به نظر می‌رسد، نامه‌نگاری «محمد بن عبد الله حمیری» در دوره «حسین بن روح» بوده است و توقیع زیارت نیز پس از توقیعات پاسخ به نامه‌های او، برای وی ارسال شده است. این در حالی است که بر اساس شاخه سوم سند، این زیارت در زمان نایب دوم «محمد بن عثمان» در دسترس دستگاه نیابت بوده به گونه‌ای که وقتی «ابن ابی رافع» ابراز دل‌تنگی برای ملاقات امام عصر علیه السلام می‌کند، نایب دوم بدو توصیه می‌کند که نزد «محمد بن علی» برود و از این زیارت، نسخه بردارد و با خواندن آن، از امام زمان علیه السلام یاد کند.

بدین ترتیب، این زیارت قبل از آن که برای «محمد بن عبد الله حمیری» در زمان «حسین بن روح» ارسال شود، نزد نواب بوده و شأن صدور دیگری داشته که به دست ما نرسیده است. همچنان که عبارات صدر زیارت نیز بر این مطلب، دلالت دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم، لا لامر الله تعقلون، و لا من اولیائه
تقبلون، حکمة بالغة عن قوم لا يؤمنون، و السلام علينا و علی عباد الله
الصالحين. فاذا اردتم التوجه بنا الى الله تعالى و الينا، فقولوا كما قال الله
تعالى: سلام علی آل یس، ذلک هو الفضل المبین.

از عبارت «لا لامر الله تعقلون، و لا من اولیائه تقبلون، حکمة بالغة عن قوم لا يؤمنون» پیداست امر غیبت امام، بر گروهی، سنگینی می‌کرد، خصوصاً آن که شبهاتی درباره انکار غیبت و تولّد امام عصر علیه السلام نیز مطرح بود. از این رو، امام علیه السلام فرمودند که چون در امر الهی غیبت تعقل نمی‌کنند و نیز از دوستان خدا تبیین حکمت آن را نمی‌پذیرند، نمی‌توانند امر غیبت را هضم کنند و طبیعی است

که در این صورت، از منزلت دریافت این حکمت، فرو بمانند و انذار منذران، آنان را سودی نبخشد. ایشان در ادامه خطاب به آن دسته از شیعیان که می‌خواهند به آن حضرت توجه کنند، متذکر می‌شوند که با این عبارات، عواطف و احساسات خود را ابراز کنند.

به نظر می‌رسد در زمان نایب دوم، کسی یا کسانی، خواسته‌اند امام را ببینند یا به امام زمان علیه السلام توجه کنند و غیبت و جدایی، آنان را می‌آزرد و نمی‌دانستند چه کنند. امام علیه السلام با فرستادن این زیارت، آنان را از سردرگمی و حیرت عاطفی نجات دادند. با این توضیح، دلیل وجود عبارات صدر این توقیع، معلوم می‌گردد؛ حال آن که در نقل «حمیری» از تقاضا و درخواستی از ناحیه وی، سخنی به میان نیامده است. پس می‌توان گفت، «حسین بن روح» به تشخیص خود، این زیارت را برای او فرستاده و دلیل آن می‌تواند، نامه‌نگاری‌های فراوان «محمد بن عبدالله حمیری» به دستگاه نیابت، معتمد بودن او و اشتیاق بسیارش به ارتباط با امام زمان علیه السلام باشد. به هر حال، با توجه به سندی که به جناب «محمد بن عثمان» می‌رسد، زمان صدور زیارت، دوران نیابت وی است نه دوران «حسین بن روح» که پس از سال ۳۰۵ ق به نیابت رسید.

نتیجه

پیشینه نقل «زیارت آل یاسین» به منابع سده ششم یعنی «الاحتجاج» طبرسی و «المزار الکبیر» ابن المشهدی می‌رسد. از آنجا که فقط المزار الکبیر آن را با سند آورده و شبهاتی درباره این سند و استناد این کتاب به نویسنده معتمد سده ششم، محمد بن جعفر المشهدی مطرح شده، برای روشن شدن وضعیت سند، پژوهشی انجام گرفت که این نوشتار حاصل آن است.

در این نوشتار وضعیت سند در سه بخش پیگیری شد. نخست از اعتبار کتاب و انتسابش به نویسند معتمد سده ششم جناب محمد بن جعفر المشهدی سخن رفت و سپس از اعتبار توثیق او نسبت به اساتیدش و سرانجام از بررسی سند. در بخش نخست، قرائنی که حکایت از انتساب این کتاب به نویسنده دارد گردآوری شد. در بخش دوم، نظریه محقق خوبی درباره اعتبار توثیق اساتید توسط متأخران مورد توجه قرار گرفت. در بخش سوم، سند مورد ارزیابی قرار گرفت و مشخص شد که این سند از طبقه پنجم به سه شاخه تقسیم می‌شود. بدین ترتیب، زیارت آل یاسین دارای سه سند است که در هر کدام، برخی افراد از نگاه منابع رجالی، ناشناخته‌اند و یا ضعیف شمرده شده‌اند؛ اما برخی از امور می‌تواند ضعف سندی را جبران کند.

به نظر می‌رسد با سپرده شدن منابع بیشتری به کتابخانه‌های الکترونیکه امکان دستیابی به اطلاعات بیشتری درباره این افراد فراهم شود و شاید این راویان از گمنامی خارج شوند و وثاقت آنها، ثابت شود.

کتابنامه

۱. الاحتجاج، شیخ طبرسی (۵۴۸م)، تعلیق و ملاحظات سید محمد باقر خراسان، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
۲. اقبال الاعمال، سید ابن طاووس (۶۶۴م) تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۱۴ق.
۳. الامالی، شیخ طوسی (۴۶۰م)، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۴. امل الآمل، شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴م)، تحقیق سید احمد حسینی، بغداد، مکتبة الاندلس.
۵. الانساب، سمعانی (۵۶۲م)، بیروت، دار الجنان، اول، ۱۴۰۸ق.
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱م)، بیروت، مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
۷. تاریخ یعقوبی، یعقوبی (۲۸۴م)، بیروت، دار صادر.
۸. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی (۴۶۳م)، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ق.
۹. خاتمة المستدرکة میرزای نوری (۱۳۲۰م)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۵ق.
۱۰. الذریعة، آقا بزرگ تهرانی (۱۳۸۹م)، بیروت، دار الاضواء، سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۱. رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین غضائری (سده پنجم)، تحقیق سید محمد رضا جلالی، قم، دار الحديث، اول، ۱۳۸۰ش.
۱۲. رجال الطوسی، شیخ طوسی (۴۶۰م)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
۱۳. رجال النجاشی، نجاشی (۴۵۰م)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
۱۴. ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین علیهم السلام، سید علی خان مدنی شیرازی (۱۱۲۰م)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۵. الصحیفة السجّادیة، سید محمد باقر موحد ابطحی، قم، مؤسسه امام مهدی علیهم السلام و مؤسسه انصاریان، اول، ۱۴۱۱ق.
۱۶. فرحة الغری، سید ابن طاووس (۶۹۳م)، قم، مرکز الغدير، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۷. الفوائد الرجالیة، سید بحر العلوم (۱۲۱۲م)، تحقیق و تعلیق محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران، مکتبة الصادق، اول، ۱۳۶۳ش.
۱۸. الفهرست، الشیخ الطوسی (۴۶۰م)، مؤسسه نشر اسلامی و نشر الفقاهة، اول، ۱۴۱۷ق.
۱۹. الفهرست، منتجب الدین ابن بابویه (۵۸۵م)، تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۶۶ش.

۲۰. قاموس الرجال، الشيخ محمد تقی تستری (معاصر)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۹ق.
۲۱. کتاب الغیبة، شیخ طوسی (م ۴۶۰)، تحقیق عباد الله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه معارف اسلامی، اول، ۱۴۱۱ق.
۲۲. کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری.
۲۳. کنز الفوائد، ابو الفتح کراچی (م ۴۴۹)، قم، مکتبه المصطفوی، دوم، ۱۳۶۹ش.
۲۴. لسان المیزان، ابن حجر (م ۸۵۲)، بیروت، مؤسسه علمی، دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۵. المزار الكبير، محمد بن مشهدی (م ۶۱۰)، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۹ق.
۲۶. المزار، محمد بن مکی شهید اول (م ۷۸۶)، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۱۰ق.
۲۷. معالم العلماء، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸)، قم.
۲۸. معجم رجال الحديث، سید خوبی (م ۱۴۱۱)، ۱۴۱۳ق.
۲۹. المناقب، موفق خوارزمی (م ۵۶۸)، تحقیق مالک محمودی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۰. میزان الاعتدال، شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸)، بیروت، دار المعرفة، اول، ۱۳۸۲ق.
۳۱. مئة منقبة، محمد بن احمد قمی (م ۴۱۲)، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۷ق.
۳۲. نهج الايمان، ابن جبر (سده ۷)، تحقیق سید احمد حسینی، قم، مجتمع امام هادی علیه السلام، اول، ۱۴۱۸ق.
۳۳. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴)، تحقیق و تصحیح و تزییل عبد الرحیم ربّانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، پنجم، ۱۴۰۳ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی